

جزوه درس مسؤولیت‌های مدنی خاص

مقدمه

در هر مورد که شخص، موظف به جبران خسارت دیگری است می‌گویند در برابر او مسؤولیت مدنی دارد یا ضامن است. این قاعدهٔ عادلانه از دیرباز وجود داشته است که «هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد.»

مسؤولیت مدنی

الزامی که قانون بر عهدهٔ اشخاص قرار داده است تا در صورت ورود خسارت به دیگران درصدد جبران خسارت برآیند. به عبارت دیگر، مسؤولیت مدنی به معنای: «جبران خسارت وارده به دیگران می‌باشد.»

مسؤولیت مدنی خاص

مسؤولیت مدنی خاص فقط مسؤولیت غیر قراردادی را در برمی‌گیرد. هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به دیگران وارد کند، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

بخش اول: مسؤولیت مدنی دولت

الف - مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال تقنینی

اعتماد و پایبند بودن مردم به قانون مانع از این است که قانونی را زیان‌بار بدانند، از این رو همهٔ جوامع قانون‌مدار اصل را بر سودمندی قانون گذاشته‌اند. علت این مسئله آن است که مردم قانون را ناشی از ارادهٔ نمایندگان منتخب معتمد خود که در مجلس مقننه به وضع قانون می‌پردازند، می‌دانند؛ اما قانون‌های بشری چون به دست افراد غیرمختص نگارش می‌شود، بدون خطا و خالی از زیان نیست؛ با این حال ممکن است در این روند به علت تعلل و یا ضعف‌های قانون‌گذاری، اعمال تقنینی زیان‌بار بوده و به افراد جامعه ضرر و خسارت وارد آید.

مبنای مسؤولیت ناشی از اعمال تقنینی

در حقوق داخلی، مستنداتی دال بر وجود مسؤولیت مدنی دولت در مواضع مختلف و امکان تسری آن به موارد مشابه وجود دارد که همهٔ آن‌ها نشان‌دهندهٔ آن است که خود دولت نیز به تدریج و با توجه به اقتضائات روز، مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال تقنینی را مفروض دانسته است، این مستندات عبارت‌اند از:

- فلسفهٔ تشکیل دیوان عدالت اداری:

«اصل ۱۷۳ قانون اساسی: به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوهٔ عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.»

- الزام بیمهٔ مسؤولیت کارکنان دولتی توسط خود دولت:

مادهٔ ۲۴ قانون برنامهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹: «دولت مکلف است مسؤولیت مدنی، محکومیت جزائی مالی و قابل خرید، محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسؤولان و مجریان امر و اگذاری را در قبال خطاهای غیرعمدی آنان به مناسبت واگذاری، چه به عنوان مسؤولیت جمعی و چه به عنوان مسؤولیت انفرادی، به هزینهٔ خود به گونه‌ای بیمه کند که بیمه‌گر کلیهٔ هزینه‌ها و مخارجی را که هر یک از مسؤولان و مجریان امر و اگذاری، تحت هر یک از عناوین موصوف فوق ملزم به پرداخت آن می‌شوند، بپردازد.»

• قانون ملی شدن جنگل‌های کشور مصوب ۱۳۴۱: مبنی بر لزوم پرداخت خسارت به صاحبان سند مالکیت جنگل پس از تصویب دولتی شدن جنگل‌ها؛

«ماده ۳ - به اشخاصی که دارای سند مالکیت به نام جنگل هستند و یا از مراجع قضایی حکم قطعی دال بر مالکیت آن‌ها به نام جنگل صادر شده و یا دارای حکم قطعی از هیأت‌های رسیدگی املاک و اگذاری به نام جنگل باشند و جوهر زیر پرداخت می‌شود: ...»

• لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی مصوب ۱۳۵۸: مبنی بر لزوم پرداخت قیمت عادلانه و بعضاً اضافه در ازای تصرف اموال اشخاص؛

«ماده ۱ - هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، همچنین شهرداری‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی که شمول قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس "دستگاه اجرایی" نامیده می‌شوند به اراضی، ابنیه، مستحذات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً وسیله "دستگاه اجرایی" یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد "دستگاه اجرایی" می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید.»

• ماده ۵۷ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱: مبنی بر لزوم جبران خسارات ناشی از تصمیم شهرداری‌ها
«ماده ۵۷ - اجرای مقررات شهرداری که جنبه عمومی دارد و به تصویب انجمن [شورای شهر] رسیده پس از اعلام برای کلیه ساکنین شهر لازم‌الرعايه است و اگر تصمیمی در حدود قوانین و وظایف مربوط به انجمن شهر [شورای شهر] راجع به شخص یا اشخاص یا مؤسسات معینی اتخاذ شده باشد پس از ابلاغ در صورتی که آن‌ها به تصمیم متخذ تسلیم نباشند می‌توانند ابتدا به انجمن شهر و در ثانی به انجمن ولایتی و در صورت نبودن انجمن ولایتی به وزارت کشور شکایت نمایند و نظر انجمن ولایتی یا وزارت کشور ابلاغ می‌شود و چنانچه قبل از انجام تشریفات فوق اقدامی از طرف شهرداری شده باشد و پس از رسیدگی محقق شود که ضرورت نداشته و متضمن خسارتی باشد شهرداری باید خسارت ناشیه از آن اقدام را جبران کند. چنانچه تصمیم وزارت کشور به ضرر معترض یا معترضین اتخاذ شود متضرر می‌تواند به دادگاه‌های عمومی مراجعه نماید.»

• ماده ۲۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲: مبنی بر لزوم پرداخت خسارت به سرمایه‌گذاران خارجی در صورت سلب مالکیت سرمایه ایشان به نفع دولت.
«سازمان هر منطقه می‌تواند با تصویب هیأت وزیران و از محل دارایی‌های خود یا از طریق عقد قرارداد با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه نسبت به تضمین سرمایه‌های خارجی در مقابل خسارات ناشی از سلب مالکیت و ملی شدن تا حد تعهدات مندرج در قراردادهای مربوطه اقدام نماید.»

ب- مسئولیت مدنی ناشی از اعمال قضایی

اصل در قضا اجرای عدالت و احقاق حق و رفع خصومت است و قاضی صرفاً برای صدور حکم قضاوت نمی‌کند، بلکه وظیفه او تحقق غرض حکم یعنی حق و عدالت است. طبیعت قضاوت، نقص قانون، نابسامانی دستگاه قضایی، تعدد مراجع تحقیقاتی و نقص در تحقیقات مقدماتی بر احتمال خطای قضات می‌افزاید و چه بسا در اثر خطای قاضی خسارت‌های مادی و معنوی غیرقابل جبران به وجود آید. از طرفی، ضرورت‌های شغل مهم و پرخطر قضا اقتضا می‌کند تا «قواعد عمومی مسئولیت مدنی» بر اعمال قضات حاکم نباشد، زیرا در این صورت، قاضی در برابر دعاوی زیادی قرار می‌گیرد که در آن، تصور اهمال در وظیفه یا ارتکاب خطا وجود دارد. از طرف دیگر، مصونیت مطلق قاضی را هم نمی‌توان مجاز دانست، زیرا معافیت وی از مسئولیت، حتی در جایی که دولت جانشین آن گردد، موجب فساد است. در قبال این، قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران نظام خاصی را به وجود آورده تا علاوه بر حمایت از قاضی در برابر اصحاب دعوی، مسئولیت مدنی قاضی را نیز لحاظ کند.

طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۴) و همچنین ماده ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) اگر قاضی بدون تقصیر، شخصی را به حبس محکوم کند و بعداً بی‌گناهی او ثابت شود بیت‌المال، مسؤول جبران خسارت مادی و معنوی است.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مُقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسؤولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»

ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه پس از اجرای حکم قصاص، حد یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضایی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می‌شود.»

ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون (قانون آیین دادرسی کیفری) خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.»

۱. ماده فوق اصل جبران خسارت مُتَّهَم بی‌گناه بازداشت‌شده (نه محکومان) را پیش‌بینی نموده و برای یکی از مصادیق احتمالی اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرراتی وضع نموده است.

۲. کسانی که حق جبران خسارت بر اساس این ماده را دارند، باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی «بازداشت» شده باشند، منظور از این بازداشت، سلب آزادی مُتَّهَم است، اعم از این که این امر، در اثر صدور قرار بازداشت موقت باشد یا قرارهای تأمین منجر به بازداشت. حتی می‌توان سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار گرفتن متهم توسط ضابطان دادگستری را نیز مشمول این حکم دانست.

۳. بازداشت‌شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آن‌ها منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب شده و با توجه با ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، این حکم یا قرار، قطعی هم شده باشد. بنابراین، اولاً، از آنجا که در مورد شاهد یا مُطَّلِع حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر نمی‌شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای ماده ۲۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری «صرفاً» در موارد مصرّح می‌توانند مطالبه خسارت کنند. ثانیاً، اگر پرونده مُتَّهَم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهارنظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط مُتَّهَم، وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است.

۴. شخص بازداشت‌شده می‌تواند تقاضای خسارت مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول را بنماید؛ اما فقط منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی در تعزیرات منصوص شرعی و دیه قابل مطالبه نیست و در این جرائم فقط خسارت مادی قابل جبران است.

ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری: «جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضائی باشد، دولت پس از جبران خسارت می تواند به مسؤول اصلی مراجعه کند.»

✓ مرجع جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه، «دولت» است.

✓ بعد از جبران خسارت متقاضی توسط دولت، هر یک از افرادی که به عنوان شاهد، شاکی، ضابط دادگستری یا حتی مقام قضایی، که از روی تقصیر (نه خطا و اشتباه) سبب بازداشت شدن متهم بی گناه شده اند، برای پرداخت آنچه دولت به متقاضی پرداخته مورد رجوع قرار می گیرند. کارشناس اظهار نظر کننده در پرونده نیز در صورت اجتماع این شرایط، مشمول همین حکم خواهد بود.

تبیین اصل ۱۷۱ ق.ا در دو مبحث صورت می گیرد: ابتدا از مفهوم قاضی و حکم در اصل ۱۷۱ ق.ا. (مبحث اول) و سپس از مفهوم تقصیر به عنوان رکن اصلی مسؤولیت مدنی قاضی (مبحث دوم) بحث می کنیم.

مبحث اول: مفهوم قاضی و حکم در اصل ۱۷۱ قانون اساسی

از آنجا که در اصل ۱۷۱ از واژه های «قاضی» و «حکم» استفاده شده، لذا شایسته است به این پرسش پاسخ گفته شود که منظور از «قاضی» کیست. آیا منظور از قاضی، منحصر در قضات محاکم و دادگاه هاست و یا این واژه دارای مفهومی عام بوده و شامل قضات دادسرا نیز می گردد؟

راجع به مفهوم قاضی در اصل مزبور اختلاف نظرهایی وجود دارد که به دو دیدگاه عمده و اساسی اشاره می گردد:

الف - قاضی به معنای دادرس

برخی بر این عقیده اند که قاضی در اصل مذکور به معنای دادرس است. این نظریه ممکن است به دلایل ذیل مورد استناد قرار گیرد:

اولاً: اصل ۱۷۱ متخذ از روایات و نظر مشهور فقیهان است که ملاک و معیار برای خطای حاکم و قاضی قرار گرفته است. از منظر روایات و فقها، قاضی کسی است که در مقام فصل خصومت برآید و چون قضات دادسرا چنین وظیفه ای ندارند، پس این واژه از آنها و تصمیماتشان انصراف دارد. از طرف دیگر، اگر اطلاقی این واژه ادعا گردد، می توان گفت چون در زمان تشریع حکم و صدور روایات، نهادی به نام دادسرا وجود نداشته است، ادعای حمل مفهوم قاضی بر قضات دادسرا بر اساس اطلاق وجهی ندارد.

ثانیاً: در موارد شک در اینکه آیا به قضات دادسرا عنوان قاضی اطلاق می گردد تا از مصونیت قضایی برخوردار گردند، می گوئیم چون مصونیت قضایی امری استثنایی و خلاف قاعده است، باید به قَدَرِ مُتَّيَقِّنِ آن تمسک جوئیم و قَدَرِ مُتَّيَقِّنِ، قضات محاکم می باشند.

ثالثاً: گفته می شود قاضی دادسرا قاضی به معنای اخص نیست، بلکه متقاضی و طرف دعوی است؛ زیرا او مدعی العموم بوده و به نام جامعه اقدام می کند؛ یعنی دادسرا دعوایی را دنبال می کند که به جامعه تعلق دارد و بدین جهت گفته می شود دادسرا وکیل جامعه است؛ او فقط اختیار تعقیب و اجرای دعوی عمومی را دارد نه حق إصدار حکم. دادسرا نمی تواند تعهد به عدم تعقیب مجرم کند و یا با او سازش نماید، مگر در موارد استثنایی که قانون صریحاً اجازه می دهد (بند ۳ م ۶ ق.ا.د.ک. قدیم) نقش دادسرا به عنوان طرفیت اصلی دعوی در امور جزایی و کیفری، بر خلاف امور مدنی که در آنجا اغلب ناظر بوده و نظرش را در دعوی بین طرفین بیان می کند، واضح و روشن است. در امور جزایی، دادسرا همیشه طرف اصلی دعوی است، حتی در صورتی که دعوی عمومی را مدعی خصوصی به جریان انداخته باشد و لذا بعد از به جریان انداختن دعوی عمومی، حق انصراف و استرداد دعوی عمومی را از دادگاه جزایی ندارد اگر دادسرا عقیده داشته باشد که تعقیب متهم و احاله امر به دادگاه مبنی بر اشتباه بوده و در نتیجه اتهام را ترک کند، دادگاه باید اظهار نظر کند نه دادسرا.

ب- قاضی به مفهوم تصمیم‌گیرندگان امور قضایی

دیدگاه دوم آن است که واژه «قاضی» دارای مفهوم عام و کلی بوده و منظور از آن اعم از قضات دادگاه و دادسرا می‌باشد. در این خصوص می‌توان به مشروح مذاکرات راجع به اصل مذکور و برخی قوانین و مقررات جاری استعانت جست. بر این اساس، قاضی کسی است که به شغل قضا و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۷۲) بنابراین قاضی شامل تمامی قضات اعم از قضات دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، قضات دادگاه انقلاب، دادگاه‌های نظامی و دادگاه ویژه روحانیت، دادستان و معاونان ایشان و بازپرس و دادیار نیز می‌گردد. رئیس اجرای احکام نیز چون پایه قضایی دارد، قاضی محسوب می‌شود؛ زیرا به دلالت ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اجرای احکام از جمله واحدهای بخش قضایی است که اداره آن را به استناد تبصره ماده مذکور می‌توان به معاون قضایی محول کرد. در تبصره ۲ ماده ۲۶ آیین‌نامه مذکور نیز مقرر شده است که رئیس واحد اجرای احکام باید دارای پایه قضایی باشد و در نتیجه رئیس واحد اجرای احکام، معاون قضایی خواهد بود که دارای پایه قضایی است و همچون قضات دیگر می‌تواند از بند ۲ ماده ۱۸ قانون فوق‌الذکر استفاده کند. پس در نتیجه، چون لفظ قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی به صورت عام ذکر شده است؛ با این وجود نظر دوم قابل قبول به نظر می‌رسد.

حکم

سؤال دیگر این است که منظور از حکم در اصل ۱۷۱ قانون اساسی چیست؟ آیا مقصود از آن، منحصرأ تصمیماتی است که در مورد ماهیت دعوی از سوی دادگاه صادر می‌گردد و قاطع دعوی و فیصله‌دهنده خصومت است؟ یا به معنای مطلق تصمیمات و اقدامات قضایی است که در جریان تحقیق و دادرسی اتخاذ گردیده و در جریان آن، بی‌گناهی، متضرر شده است؟ بعد از اینکه در قسمت قبل منظور از قاضی معلوم گردید که شامل کلیه کسانی است که در سلسله‌مراتب دادگاه‌ها و دادسرا و در سطوح مختلف اشتغال دارند و ممکن است از تصمیمات و اقدامات آنان خسارتی به اشخاص بی‌گناه متوجه گردد، طبیعی است که مقصود از کلمه «حکم» در اصل ۱۷۱ نیز به معنای اصطلاحی و مقرر در آیین دادرسی نیست. مقصود از این کلمه کلیه تصمیمات و اقداماتی است که از سوی مقامات دادگاه یا دادسرا، به اعتبار سمت قضایی آنان علیه جان، مال یا آزادی اشخاص اتخاذ و عمدتاً یا اشتباهاً موجب توجه خسارت مادی یا معنوی به آنان می‌گردد؛ در غیر این صورت، هرگاه حکم مندرج در اصل ۱۷۱ به مفهوم مقرر دادرسی تعبیر شود، در عمل با نتایج غیرمنطقی و خلاف مبانی و اهداف اصل یادشده مواجه خواهیم شد.

برای مثال، فرض کنیم شخصی به اتهام قتل عمد تحت تعقیب دادسرا واقع و به علت اهمیت موضوع، قرار بازداشت موقت وی از سوی بازپرس صادر و پس از گذشت مدتی از بازداشت و تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه ارسال و پس از تعیین وقت و انجام محاکمه، متهم به قصاص محکوم شود، لیکن در جریان تجدیدنظرخواهی معلوم گردد قاتل واقعی، شخص دیگری است یا اصولاً مقتول زنده یافته شود و بازداشت و زندانی شدن متهم در دادسرا و ادامه آن از طرف دادگاه مبتنی بر تقصیر یا اشتباه مقامات قضایی بوده است. در این صورت، چنانچه به ظاهر، به اصل ۱۷۱ قانون اساسی عمل شود، یعنی فقط خسارات ناشی از حکم مبتنی بر تقصیر یا اشتباه قاضی قابل مطالبه باشد، متهم صرفاً می‌تواند خسارت مربوط به بازداشت بعد از تاریخ صدور حکم دادگاه را مطالبه کند و خسارات مربوط به ایام بازداشت قبل از صدور حکم که بر اساس قرار بازداشت موقت بازپرس صورت گرفته و تا زمان صدور حکم ادامه داشته است، هر چند ناشی از تقصیر یا اشتباه هم بوده باشد، چون مسبوق به صدور حکم به مفهوم قانونی نبوده و این رابطه سببیت به وسیله حکم دادگاه بدوی قطع شده است، حداقل به استناد اصل ۱۷۱ قابل مطالبه نیست و مسؤولیتی متوجه بازپرس و دادسرا نخواهد بود.

مبحث دوم: تقصیر، به عنوان رکن اصلی مسؤولیت مدنی قاضی

با توجه به اصل ۱۷۱ ق.ا. و ماده ۴۸۶ ق.م.ا (مصوب ۱۳۹۲) و دیگر اصول و موازین حقوقی، برای تحقق مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی وجود سه عنصر ضرورت دارد: تقصیر، ضرر و رابطه سببیت. برای مسؤول شناختن قاضی، صرف اثبات تقصیر او کافی نیست، بلکه مدعی باید زیان ناشی از تصمیم زیان‌بار قضایی و همچنین رابطه سببیت میان تقصیر و زیان وارد شده را نیز ثابت کند؛ یعنی زیان دیده باید ثابت کند میان فعل و یا ترک فعل خوانده و ایجاد ضرر، رابطه علت و معلولی وجود دارد. اگر ثابت شود که میان تقصیر قاضی و ضرر رابطه سببیت وجود دارد، در این صورت قاضی ملزم به جبران خسارت می‌گردد. بنابراین در این مبحث، مفهوم تقصیر و چهره‌های مختلف آن و همچنین تقصیر قاضی و معیارهای شناسایی آن در نظام حقوقی ایران و برخی از نظام‌های دیگر مورد توجه و مذاقه قرار خواهد گرفت.

تقصیر

تقصیر مفهومی است که در حوزه‌های مختلف از جمله اخلاق و حقوق به کار گرفته می‌شود. وجود قواعد و مقررات موجود در عرف، به ویژه عرف صاحبان مشاغل و حرف و اختلاف نظر بین حقوقدانان، صاحبان فن و استادان، بررسی و شناخت وجوه مختلف مفهوم تقصیر را پیچیده کرده است. تمییز خطا از صواب و معیار شناسایی این دو مفهوم از نظر فلسفی و اخلاقی یکی از دشوارترین مباحثی است که انسان می‌شناسد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۹۰). احاطه و تسلط کامل بر تمامی جوانب نیز امکان‌پذیر نیست، زیرا این موضوع در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های انسانی خودنمایی می‌کند. ضرر و زیان‌های ناشی از تقصیر و فعالیت‌های اجتماعی که به نوعی تقصیرکار اند، چنان اهمیت دارند که حقوقدانان تردیدی در مسؤول شناختن عامل این گونه زیان‌ها به خود راه نمی‌دهند. اگرچه تقصیر، تنها مبنای مسئولیت نیست، اما به هنگام بروز در زمینه‌های مختلف تا اندازه‌ای مشهور و مؤثر است که هیچ‌گونه تردیدی در تحقیق و بررسی وجوه مختلف آن باقی نمی‌گذارد.

با توجه به مواد مختلفی از قانون مدنی از جمله مواد ۴۹۳، ۶۱۴، ۶۶۶ و ... تقصیر در حقوق مدنی در مورد خساراتی که از راه تسبیب، نه مباشرت، به مال یا حق دیگری وارد آمده باشد، همانند خسارات به بار آمده از احکام قضات، مطرح می‌گردد و مُقصر کسی است که فعل را با اراده انجام دهد، ولی قصد نتیجه یعنی «وارد آوردن خسارت» را ندارد، لیکن احتمال ورود خسارت را می‌دهد و یا عمل او طوری است که عرفاً و عادتاً احتمال به بار آمدن خسارت می‌رود. به عبارت دیگر، تقصیر غیر از عمد است، زیرا عاقد کسی است که در انجام فعل و ترتیب نتیجه قصد دارد.

ظاهراً تقصیر مذکور در اصل ۱۷۱ ق.ا. با این معنای تقصیر در قانون مدنی سازگاری ندارد زیرا، اولاً: قلمرو تقصیر در حقوق مدنی فقط در مورد حق یا مال بوده و شامل خسارات معنوی نمی‌گردد، لیکن اصل ۱۷۱ جبران خسارت معنوی ناشی از تقصیر قاضی را نیز لازم دانسته است.

ثانیاً: پذیرش ضمان قاضی در تمامی موارد تعدی، حتی بدون سوءنیت و تعمد در حصول ضرر، متناسب با این شغل مهم و خطیر نیست، زیرا موجب عدم تصدی این شغل و در نهایت منجر به تعطیلی قضا خواهد شد.

تقصیر در قانون اساسی؛ تقصیر شغلی

آنچه مهم و حائز اهمیت است مفهوم تقصیر در اصل ۱۷۱ قانون اساسی است و اینکه اراده قانونگذار به چه معنایی استقرار یافته است. تقصیر در اصل ۱۷۱ اعم از عمد و شبه عمد است و لذا ضمان و مسئولیت قاضی محدود به عمد او نیست و خطاهای شبیه عمد او را نیز در بر می‌گیرد؛ هرچند که مقصودی پلید و نامشروع نداشته باشد. تقصیر، مفهومی گسترده‌تر از عمد می‌باشد. با ملاحظه مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز همین معنا از تقصیر برداشت می‌گردد: «مُقصر اعم است از اینکه خلاف کرده باشد و یا اینکه اشتباهش از این جهت است که در مقدمات امر، تحقیق کافی نکرده باشد، پس در هر دو مورد، آن را مُقصر گویند.» مضافاً این تفسیر، هماهنگ با ماده ۱ ق.م.م. است که در آن عمد و بی احتیاطی با کلمه فاصل «یا» آمده است.

مرحوم کاتوزیان در پاسخ به این سؤال که کجا باید گفت دادرس اشتباه کرده است و در چه مورد باید او را مُقَصِّر شمرد، می‌نویسند: «نخستین پاسخی که به نظر می‌رسد این است که اشتباه، ناظر به موارد قصور دادرس شود و تقصیر به حالتی که در آن تدلیس و سوءنیت و عمد است، خواه انگیزه آن، جلب منفعت باشد (مانند اخذ رشوه) یا دفع ضرر (مانند ترس) یا انتقام‌جویی و مانند این‌ها.»

نتیجه بحث این است: اگرچه قدرمُتَّيَقَن از مفهوم تقصیر در قانون اساسی، خطاهای عمدی و یا شبه‌عمد است و در نتیجه قاضی مسؤول خطاهای عمدی و یا در حکم عمد خویش است، و لیکن درباره سایر مصادیق تقصیر، به لحاظ خطیر بودن امر قضا و مصلحت عمومی، شبهه تطبیق آن وجود دارد و لذا حقوق‌دانان سعی در حمل آن موارد بر اشتباه نموده‌اند، ولیکن این امر موجب می‌گردد تا در مفهوم تقصیر قائل به تخصیص شویم و در نتیجه اِهمال در مفهوم پیش‌آید؛ بنابراین، آن چه از این دشواری می‌کاهد این است که مفهوم تقصیر را بر تقصیر شغلی حمل کنیم تا با حفظ مفهوم، تقصیر همچنان قابل تطبیق بر مصادیق خود شود و از طرفی جایگاه قضا و مصلحت عمومی نیز محفوظ بماند.

تقصیر شغلی و حرفه‌ای

مقصود از تقصیر شغلی و حرفه‌ای، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آنان است مرتکب می‌شوند، مانند خطای پزشک در معالجه یا عمل جراحی، خطای وکیل در دفاع از دعوی و دادرس در صدور حکم، سردفتر و مشاور حقوقی در راهنمایی کردن و معمار در ساختمان. به عبارت دیگر، خطای شغلی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف هر شغل به وجود می‌آید، مثل اینکه حرفه را به شکل نامشروع انجام دهد.

❖ خسارات ناشی از قصور (اشتباه) و تقصیر قضات: اگر بر اثر اشتباه یا تقصیر یک قاضی در رسیدگی قضایی یا در متفرعات آن مانند صدور نایب‌جای قرار بازداشت، نقض تحقیقات، نرسیدن به ادله طرفین و ... به اشخاص، خسارتی وارد شود، آن خسارت به این نحو قابل جبران است:

۱. منظور از تقصیر، «تخلف سنگین» و منظور از قصور، «اشتباه قابل اغماض» است (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات).
۲. رسیدگی به دعوای مطالبه خسارات ناشی از قصور یا تقصیر قاضی، منوط به آن است که ابتدا، قصور یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات اثبات شود (ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات).
۳. بعد از اثبات تقصیر یا قصور قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات، در دادگاه عمومی برای محاسبه میزان خسارت و مطالبه خسارت، علیه قاضی مزبور طرح دعوا می‌شود. این دعوا صرفاً در دادگاه عمومی تهران قابل طرح است.
۴. برای جبران خسارت با دو حالت مواجهیم (اصل ۱۷۱ ق.ا.:

- اگر خسارت ناشی از تقصیر قاضی باشد: خسارت زیان‌دیده بر عهده قاضی است.
 - اگر خسارت ناشی از قصور قاضی باشد: خسارت زیان‌دیده توسط دولت جبران می‌شود.
۵. در موارد زیر، اگر خسارت، ناشی از تقصیر قاضی باشد، زیان‌دیده توسط دولت و از محل صندوق خاصی جبران می‌شود؛ اما دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به قاضی مُقَصِّر مراجعه کند:

- اگر متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد بازرسی، از بازکردن محل‌ها و اشیاء بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آن‌ها را بدهد. اگر در اجرای این دستور، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم براءت صادر شود، همچنین مواردی که امتناع‌کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار مجرمیت یا محکومیت متهم منجر شود، دولت، مسؤول جبران خسارت است مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مُقَصِّر مراجعه می‌نماید (ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک).
- اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. اگر بازداشت بر اثر اعلام

مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از آنکه از محل صندوق خاصی که برای این منظور در وزارت دادگستری تشکیل شده، جبران خسارت می‌کند، می‌تواند به قاضی مقرر مراجعه کند. (م ۲۵۵ و ۲۵۹ ق.آ.د.ک)

ج - مسئولیت مدنی ناشی از اعمال اداری و اجرایی

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت، جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

واژه کارمندان دولت در صدر ماده فوق، شامل کلیه اشخاص حقیقی که در دستگاه دولت به عنوان بارزترین فرد شخص حقوقی حقوق عمومی و به معنی اعم از قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مؤسسات وابسته به دولت به کار مشغول اند، می‌گردد؛ هر چند آنچه در بدو امر از واژه کارمند متبادر به ذهن می‌شود کارمند رسمی دولت است؛ ولی چون کلمه کارمند به صورت مطلق به کاررفته و مقید به قید و وصفی نگردیده، علی‌الظاهر اشخاصی را که به صور مختلف تحت شمول کلیه مقررات و قوانین استخدامی در خدمت دولت هستند (اعم از روزمزد، پیمانی، خرید خدمتی و غیره) دربرمی‌گیرد، گذشته از کارمندان دولت، این ماده کارکنان شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته را که یکی از انواع مؤسسات عمومی است نیز شامل می‌گردد.

به نظر برخی از حقوقدانان اگر عبارت کارمندان دولت را شامل کلیه کسانی که تحت شمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین استخدامی از جمله قانون استخدام قضات بدانیم، کلیه مستخدمین دولت از جمله قضات در صورتی که به سبب انجام وظیفه و در اثر تقصیر خود (اعم از عمد و بی احتیاطی) خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده خواهند بود. البته با عنایت به اصل ۱۷۱ قانون اساسی که قضات را در صورت تقصیر عمدی، خود مسؤول جبران خسارات وارده دانسته و در صورت اشتباه آنان، دولت را مسؤول جبران خسارت می‌داند، نظریه فوق قابل پذیرش نیست، ولی در خصوص خسارات وارده از سوی بقیه کارکنان دولت در اثر عمد و یا بی احتیاطی، نظریه فوق قابل پذیرش به نظر می‌رسد.

با توجه به ذیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که اشعار می‌دارد: «... ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» طبق ماده ۵۸۸ قانون مدیریت خدمات کشوری «امور حاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن، بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.»

چنانچه در جریان همین اعمال حاکمیت خسارتی به شخصی وارد گردیده و زیان دیده بتواند تقصیر عمده عامل دولت را (مأمور - مستخدم) در نقض مقررات و در جهت اضرار به خویش ثابت نماید، امکان رفع خسارت وارده طبق صدر ماده فوق بعید و دور از انتظار نیست. بدیهی است که در دعوای مسئولیت مدنی، زیان دیده باید بتواند رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار اداره و زیان وارده به خود را ثابت نماید. به هر حال در رابطه با ماده ۱۱ ق.م.م، نکات ذیل قابل توجه است:

۱. خسارت وارده به اشخاص به سبب اعمال دولت، زمانی قابل جبران است که زیان وارده مستند به عمل دولت باشد. به عبارت دیگر باید بین عمل زیان‌بار و خسارت وارده، رابطه سببیت وجود داشته باشد. بدیهی است چنانچه این رابطه قابل اثبات نبوده و یا زیان وارده ناشی از حوادث طبیعی و غیرمترقبه چون سیل و طوفان و زلزله و غیره و یا فورس‌ماژور بوده باشد، چون رابطه سببیت بین عمل دولت و خسارت وارده وجود ندارد، لذا مسئولیتی در این زمینه متوجه دولت نخواهد بود. مطلب دیگری که نیازمند توضیح است، این است که اثبات رابطه سببیت در دعوای مسئولیت مدنی به عهده شخص متضرر از عمل زیان‌بار یا به عبارت دیگر دیگر مدعی است که البته اثبات این رابطه با توجه به وضعیت زیان‌دیدگان از اعمال

دولت تا حدی مشکل بوده و جبران زیان از زیان دیدگانی که توانایی اثبات این رابطه را نداشته باشند، امکان‌پذیر و آسان نخواهد بود.

۲. در خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هم، در صورتی که دو شرط موجود باشد دولت از جبران زیان و پرداخت خسارت معاف خواهد بود اول اینکه دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد و دوم آنکه، آن عمل حسب ضرورت و طبق قانون برای تأمین منافع اجتماعی به عمل آید. واضح است که با مفقود بودن هر یک از این دو شرط، دولت ملزم به پرداخت خسارت نخواهد بود ولو اینکه خسارت، ناشی از اعمال حاکمیت دولت باشد، به نظر می‌رسد که اثبات وجود دو شرط مذکور در دعوی مسئولیت مدنی به عهده دولت خواهد بود که در واقع مدعی علیه دعوی خسارت بوده ولی در زمینه اثبات شروط موصوف، مدعی واقع خواهد شد. لازم به توضیح است که با عنایت به مفهوم مخالف قسمت ذیل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به ویژه عبارت «دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود» معافیت دولت در خصوص جبران زیان ناشی از اعمال حاکمیت الزامی نبوده، بلکه امر اختیاریست و به همین جهت در صورتی که دولت مصلحت بداند می‌تواند خسارت وارده در اثر اعمال حاکمیت را نیز جبران نماید.

مسئولیت مدنی دولت درباره خسارات ناشی از اعمال تصدی

دولت افزون بر امور حاکمیتی، مبادرت به اعمال تصدی کرده و فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که در آنها نشانی از اعمال اقتدار عمومی و حاکمیت دیده نمی‌شود، بدین ترتیب که دولت در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا با تصدی‌گری و مشارکت مستقیم یا با وضع مقررات، مداخله می‌نماید. هنگامی که دولت به اعمال تصدی، خدمات و کارهای مشابه اشخاص خصوصی می‌پردازد (فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی همانند صادرات و واردات، تولید کالاها، خدمات مربوط به برق، آب، گاز، حمل و نقل هوایی و ریلی و ...) و هدف دولت اعمال حاکمیت و اقتدار ملی و حکومت نیست روابط دولت با مردم از جمله مسئولیت مدنی همانند اشخاص خصوصی، پیرو قواعد حقوق خصوصی می‌باشد؛ زیرا در این موارد به کارگیری قواعد استثنایی حقوق عمومی مبنای واقعی خود را از دست داده و با عدالت و تساوی اجتماعی سازگاری ندارد.

تقصیر اداره و تقصیر شخصی کارکنان

تقصیر اداره

می‌تواند شامل خطای سازمانی یا نقص سیستم اعم از ناکافی بودن یا نبود شمار کارمندان، نقص یا وضعیت نامناسب وسایل و ابزارهای مورداستفاده اداره و ... باشد.

تقصیر شخصی کارکنان

تقصیر، قابل تفکیک از خدمت و وظیفه آنان می‌باشد و ارتباطی با صلاحیت‌ها و مأموریت‌های قانونی آنها ندارد ولی این تعریف، دقیق نبوده زیرا تقصیر ممکن است از جهات مختلف منفک از خدمت و وظیفه کارمند باشد:

۱. بدیهی‌ترین فرض، تقصیری است که به لحاظ مادی و موضوعی، منفک و خارج از خدمت کارمند است. بدین ترتیب که خطای ارتكابی به هنگام انجام فعالیت‌های صورت گرفته که با انجام وظایف کارمند هیچ‌گونه رابطه‌ای نداشته و مربوط به زندگی شخصی وی باشد. تقصیر ممکن است با وظیفه کارمند کاملاً بی‌ربط هم نباشد و وی از وسایلی استفاده کند که اداره در اختیار او گذاشته است مانند مأمور پلیسی که در حال انجام وظیفه نیست از سلاحی که اداره در اختیار او گذاشته است استفاده کرده و کسی را می‌کشد. این تقصیر از آن جهت، جنبه شخصی دارد که به هیچ‌وجه به مناسبت انجام وظایف، صورت نگرفته است.

۲. ولی گاه ممکن است خطا در محیط اداره یا به خاطر انجام وظیفه، صورت گرفته ولی به عنوان تقصیر شخصی در نظر گرفته شود؛ برای نمونه، تقصیری که حاکی از سوءنیت (اعمال غرض) و قصد اذیت و آزار عامل دارد از جمله گفته‌های افتراآمیز مدیر یک مدرسه دولتی علیه معلم همان مدرسه، یا این که کارمند به دنبال منفعت شخصی خود باشد؛ مثلاً زندانبانی که با زندانیانی که برای مراقبت به او سپرده شده‌اند جهت انجام سرقت همراهی کند.

۳. در مواردی که کارمند در هنگام انجام وظیفه، در رفتار خود افراط یا زیاده‌روی کند از قبیل اعمال خشونت یا بدزبانی؛ برای نمونه، کارمندی در محل خدمت و در هنگام انجام وظیفه، الفاظ توهین‌آمیز یا رکیک نسبت به دیگران ادا کند.

۴. کارمندی که به هنگام انجام وظیفه، مرتکب بی‌احتیاطی و قصور شدید شود، از جمله مسؤولیت شخصی نظامیانی که به هنگام ساخت مهمات، سیگار روشن کرده و سبب انفجار و بروز خسارت به دیگران گردند.

۵. همچنین جرائم عمدی ارتكابی توسط کارمندان که به هنگام انجام وظیفه صورت بگیرد از جمله تقصیرهای شخصی آنان به شمار می‌رود، ولی جرائم غیرعمد (ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت مقررات و ...) می‌تواند از جمله خطاهای اداره باشد از قبیل ایراد جرح غیرعمدی به یک دوچرخه‌سوار به وسیله یک خودروی نظامی.

در هر صورت، خطای کارمند می‌تواند شامل فعل یا ترک فعل همراه با سوءنیت، خروج از صلاحیت‌ها و اختیارات موضوعی، زمانی یا مکانی، عدم رعایت یا تخلف از قوانین و مقررات، کوتاهی در انجام وظیفه و ... باشد ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد کنند شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند...» به موجب قانون، کارکنان اداره در برابر شهروندان و اداره، دارای تکالیفی می‌باشند که در صورت نقض یا عدم انجام آن‌ها مرتکب تقصیر، تخلف و یا احیاناً جرم می‌شوند که عمدتاً انواع تقصیر شخصی کارمندان در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲) و مواد ۹۰ تا ۱۰۰ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) ذکر شده است.

برابر ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲)، مهم‌ترین تخلفات اداری که ممکن است منجر به تضییع حقوق اشخاص و ورود خسارت به آن‌ها شود عبارت‌اند از: نقض قوانین و مقررات مربوط، انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آن‌ها بدون دلیل (خودداری از انجام وظیفه یا اختیارات یا تأخیر در انجام آن‌ها)، کم‌کاری یا سهل‌انگاری در انجام وظایف محوّل‌شده، سرپیچی از اجرای دستورهای مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری، تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری، ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت، اخاذی، تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص، ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری، افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری ...

همچنین به موجب مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری گرفتن جوهری غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود، هر نوع استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی، امکانات و اموال دولتی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری و...

بخش دوم: مسؤولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از فعل کارگران:

در بحث مسؤولیت کارفرما گاهی اوقات خسارت به خود کارگر و گاهی خسارت به ثالثی وارد می‌شود

۱. خساراتی که به کارگر وارد می‌شود: اگر در انجام کار وقتی کارگر داره برای کارفرمایش کار می‌کند، خسارتی به کارگر وارد شود کارفرما موظف به جبران خسارت است چون طبق قانون، کارفرما موظف به بیمه کردن کارگر است. طبق قانون تأمین اجتماعی، کارگران باید در قبال حوادث و بیماری‌ها بیمه شوند و کارفرما باید به این تکلیف عمل کند و بیمه کردن کارگران، رافع مسؤولیت سازمان تأمین اجتماعی برای جبران ضرر وارده به کارگران به علت حوادث ناشی از کار نخواهد بود.

۲. خساراتی که به ثالث وارد می‌شود: ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسؤول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این‌که محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسؤول شناخته شود مراجعه نماید.»

در ماده فوق، «نظریه فرض تقصیر» رو قبول می‌کنیم؛ این نظریه بدان معناست که: فرض بر این است که کارفرما تقصیر کرده و نیازی به اثبات تقصیرش نیست و خود کارفرما باید عدم تقصیرش را ثابت کند.

شرایط مسؤولیت کارفرما: ۱. وجود رابطه کارگری و کارفرمایی؛ ۲. فعل زیانبار کارگر؛ ۳. ورود ضرر به هنگام کار یا به مناسبت آن.

۱. کارگر یعنی کسی که به دستور کارفرما و طبق تعلیمات او کار می‌کند پس اگر کسی به حساب دیگری کاری انجام بدهد اما در انتخاب وسیله و طریق رسیدن به هدف، استقلال و آزادی داشته باشد دیگر کارگر نیست؛ مثلاً وکیل به هر نحوی که صلاح بداند می‌تواند عمل کند؛ مقاطعه‌کار یا پیمان‌کار، کار سفارش داده‌شده را انجام می‌دهد اما مشمول قانون کار قرار نمی‌گیرد؛ پس وکیل و پیمان‌کار و مقاطعه‌کار و امثال این‌ها مشمول ماده ۱۲ نیستند.

۲. برای این که کارفرما برابر ماده ۱۲ مسؤول شناخته بشود لازم است که خسارتی از فعل کارگر به ثالث وارد شده باشد.

نکته: اثبات تقصیر کارگر برای رجوع به کارفرما لازم نیست، چون ما نظر فرض تقصیر را قبول کرده‌ایم.

سؤال: چرا ما باید بفهمیم که فعل زیانبار را کارگر زده؟ که چی بشه؟ پاسخ: همانگونه که گفتیم اثبات تقصیر کارگر برای رجوع به کارفرما لازم نیست چون ما نظریه فرض تقصیر را پذیرفته‌ایم و حتی اثبات بی‌تقصیری کارگر از سوی کارفرما موجب رفع مسؤولیت او نمی‌شود، زیرا ممکنه خسارت، معلول نقص وسایل کار بوده یا ناشی از دستورات و تعلیم غلطی بوده که به کارگر داده شده و تقصیری متوجه کارگر نباشد.

توجه: ممکن است کارگر تقصیری مرتکب نشده باشد و زانی که به ثالث وارد شده ناشی از وسایل کار بوده، نتیجه این که ضرری که به ثالث وارد می‌شود چه ناشی از تقصیر کارگر باشد چه ناشی از تعلیمات نادرستی که به او داده شده، باعث مسؤولیت کارفرما می‌شود.

۳. منظور از «به مناسبت انجام کار» یعنی خسارت هنگامی رخ دهد که کارگر مشغول انجام کاری است که جزء وظایفش نیست ولی مرتبط با وظیفه‌اش هست، پس اگر کارگر در غیر ساعات کار مثلاً هنگام گردش با اتومبیل اختصاصی‌اش زانی به دیگری وارد کند کارفرما مسؤولش نیست ولی اگر کارگر در زمانی که مقدمات انجام کار را فراهم می‌کند، مثلاً هنگامی که نردبانی برای انجام دادن کار تهیه کرده و به سوی محل کار می‌رود بر اثر بی‌احتیاطی به دیگری آسیب بزند زیان دیده می‌تواند به کارفرما رجوع کند؛ پس دو حالت وجود دارد: یک حالت، هنگامی است که در زمان کاری‌اش نیست؛ یک حالت هم، زمانی است که دارد مقدمات کار را فراهم می‌کند.

نکته: همه خسارت‌های در حین کار یا متناسب با انجام کار بر عهده کارفرما نیست؛ پس اگر کارگر از موقعیتش سوءاستفاده کند، کارفرما دیگر مسؤول نیست؛ پس در مباحث ما کارفرما، زمانی مسؤول خسارات وارده از ناحیه کارگر است که کارگر در انجام وظایفش سوءاستفاده نکرده باشد.

موانع مسؤولیت کارفرما: ۱. کارفرما ثابت کند که مسؤول نیست: همانطور که گفتیم مسؤولیت کارفرما بر مبنای فرض تقصیر است؛ پس اگر خلاف آن را ثابت کند، یعنی ثابت کند که مقصر نبوده دیگر مسؤول نیست؛ ۲. اثبات عدم رابطه سببیت بین تقصیر کارفرما و ورود ضرر. اگر کارفرما این دو مورد را ثابت کرد دیگر مسؤول نیست.

آثار مسؤولیت:

۱. جمع بین مسؤولیت کارگر و کارفرما: مسؤولیت کارفرما مانع مسؤولیت کارگر نیست (یعنی ثالث می‌تواند هم به کارگر و هم به کارفرما رجوع کند) و در واقع مسؤولیت کارفرما، جایگزین مسؤولیت کارگر نشده است و تنها، تضمین جدیدی برای جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل کارگر است. اگر کارگر در اثر حوادث ناشی از کار به ثالثی خسارت بزند، ثالث به چه شخصی رجوع می‌کند؟ به هر دو، اما رجوع به کارفرما برای ثالث راحت‌تر است. چون مبنای مسؤولیت کارفرما، نظریه فرض تقصیر است (تقصیر کارفرما مفروض است) و دیگر نیازی به اثبات تقصیر نیست اما ثالث اگر بخواهد به کارگر رجوع کند بار اثبات تقصیر کارگر بر عهده خود ثالث می‌باشد.

دوباره بخوانیم ماده ۱۲ قانون مسؤلیت مدنی را: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسؤول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا این که اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود، کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسؤول شناخته شود مراجعه نماید.»

ماده ۱۴ قانون مسؤلیت مدنی، در راستای ماده ۱۲ است (البته مرحوم کاتوزیان معتقد بودند ماده ۱۴، ادامه‌دهنده ماده ۱۲ نیست): «در مورد ماده ۱۲، هر گاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسؤول جبران خسارت وارده هستند...» یعنی دکتر کاتوزیان می‌گفتند نباید به ظاهر ماده اکتفا کرد بلکه می‌توان این گونه گفت: هر گاه چند کارگر مجتمعاً زیانی به **ثالث** وارد آورند متضامناً در برابر **ثالث** مسؤول جبران خسارت وارده هستند؛ اما اگر ماده ۱۴ رو ادامه ماده ۱۲ بدانیم اینجوری می‌شود: در مورد ماده ۱۲، هر گاه چند کارگر مجتمعاً زیانی به **کارفرما** وارد آورند متضامناً در برابر **کارفرما** مسؤول جبران خسارت وارده هستند.

۲. امکان رجوع کارفرما به کارگر: پس از آن که کارفرما، خسارت وارده به ثالث را پرداخت کرد می‌تواند به کارگر رجوع کند و آن چه را که پرداخته از او پس بگیرد به شرط آن که شرایط مسؤلیت کارگر محقق شده باشد (یعنی کارگر تقصیر کرده باشد). نکته: بعد از این که کارفرما جبران خسارت کرد یا یکی از کارگران جبران خسارت نمود: خسارت باید بین مسؤولان اصلی حادثه تقسیم شود. مسؤولان اصلی حادثه چه کسانی هستند؟ ممکن است کارگری باشد که تقصیر کرده یا کارفرمایی باشد که به کارگر، تعلیم اشتباه داده است.

ادامه ماده ۱۴ می‌گه: «... در این مورد، میزان مسؤلیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک، از طرف دادگاه تعیین می‌شود.» یعنی تقسیم مسؤلیت بر اساس میزان تأثیر عمل هر یک؛ یعنی «نظریه میزان تأثیر عمل» را پذیرفته‌ایم نه نظریه تساوی.

بخش سوم: مسؤلیت جبران خسارات ناشی از وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی: اگر به واسطه تصادف وسایل نقلیه موتوری، چه زمینی و چه ریلی (خودرو، موتور سیکلت یا قطار) به اشخاص دیگری خسارت وارد شود، در این صورت، «قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب ۱۳۹۵ بر موضوع، حاکم است و شخص زیان دیده برای جبران خسارت خود می‌تواند از هریک از دو روش ذیل استفاده کند:

۱. رجوع به دارنده وسیله نقلیه: دارنده، در هر صورت مسؤول بیمه کردن وسیله نقلیه ملکی یا متصرفی خود در قبال خسارات بدنی و مالی که در اثر حوادث وسیله نقلیه به اشخاص ثالث وارد می‌شود است؛ در این موارد، اگر دارنده ثابت کند که خسارت منتسب به او نبوده است، در این حالت، دارنده، مسؤول جبران خسارت نیست؛ و در واقع ثابت می‌کند که خسارت، ناشی از **قوة قاهره** یا فعل ثالث (راننده یا دیگران) یا فعل خود زیان دیده بوده است. (ماده ۲ قانون بیمه اجباری)

۲. رجوع به راننده وسیله نقلیه: در این صورت، شخص زیان دیده باید تقصیر راننده وسیله را اثبات کند تا بتواند از او درخواست جبران خسارت نماید. (تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه اجباری و ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی)

اوصاف مسؤلیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی:

۱. این مقررات، دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین شهری، مانند خودرو، موتور سیکلت، کامیون، قطار و واگن متصل یا غیرمتصل به آن و یدک و کفی (تریلر) را دربرمی‌گیرد. (بند «ث» ماده ۱ قانون بیمه اجباری)

۲. اگر خسارت منتسب به وسیله نقلیه باشد، در هر صورت، چه راننده آن وسیله نقلیه، مقصر باشد و چه مقصر نباشد، دارنده آن وسیله نقلیه ملزم به بیمه کردن وسیله بوده است. اگر به استناد ماده ۲ قانون بیمه اجباری، راننده آن وسیله نقلیه، مسبب خسارت باشد باید خسارت را پرداخت کند؛ اما اگر خسارت منتسب به **قوة قاهره** یا شخص ثالث باشد، در این

صورت، راننده آن وسیله نقلیه مسؤولیتی برای جبران خسارت ندارد. برای مثال، فرض کنید که شخص ثالثی، خودروی خود را به خودرویی که در کناره خیابان پارک شده می‌کوبد و در نتیجه، آن خودرو را به حرکت در می‌آورد و آن خودرو، به شخص ثالثی اصابت می‌کند. در این حالت، آن شخص ثالث می‌تواند به خودروی اول مراجعه کند و نمی‌تواند به خودرویی که در کنار خیابان پارک بوده و به دلیل فعل شخص ثالث به خودروی دیگر اصابت کرده، رجوع کند.

۳. مسؤولیت دارنده این وسایل در بیمه کردن وسیله نقلیه، مسؤولیت نوعی است؛ یعنی نیاز به عنصر تقصیر نیست. در این خصوص، مسؤولیت مبتنی بر نظریه خطر است. دارندگان وسایل نقلیه فوق، مکلف به بیمه کردن وسایل نقلیه مذکور برای جبران خسارات بدنی و مالی بر اشخاص ثالث می‌باشند. (ماده ۲ قانون بیمه اجباری)

۴. اگر دارنده یا راننده وسیله نقلیه‌ای که خسارت منتسب به آن است، اثبات کند که هیچ تقصیری مرتکب نشده، بیمه‌گر یا صندوق بدو مسؤول جبران خسارت هستند؛ زیرا در این خصوص، مسؤولیت مبتنی بر تقصیر نیست. تنها چیزی که آنها را از مسؤولیت معاف می‌کند آن است که ثابت کنند که خسارت اساساً هیچ ارتباطی با آنها ندارد و منتسب به آنها نیست.

قوه قاهره رافع مسؤولیت راننده وسیله نقلیه است ولی زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت خود را از بیمه‌گر یا صندوق مطالبه کند، چون طبق بند پ ماده ۱ قانون بیمه اجباری ... مفهوم حادثه شامل حوادث غیرمترقبه نیز می‌شود و همچنین طبق ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری ... خسارت به واسطه قوه قاهره از استثنائات تعهدات بیمه‌گر نیست.

۵. منظور از دارنده، مالک یا متصرف وسیله نقلیه است. البته منظور از متصرف، راننده وسیله نقلیه نیست؛ بلکه منظور، مستأجر یا مؤسسه حمل و نقلی است که خودرو را در زمان وقوع حادثه، در اختیار داشته است. (تبصره ۱ ماده ۲ قانون بیمه اجباری)

۶. مسؤولیت دارنده، مانع از رجوع به راننده مقصر نیست. (تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه اجباری) بنابراین اگر راننده، شخصی غیر از دارنده باشد، به هر دو می‌توان رجوع کرد ولی نهایتاً راننده، مسؤول جبران خسارت وارده است.

۷. علاوه بر بیمه خسارات بدنی و مالی وارده به ثالث، دارنده وسیله نقلیه مکلف به بیمه کردن وسایل نقلیه مذکور برای پوشش خسارت‌های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه نیز هست. (ماده ۳ قانون بیمه اجباری) منظور از حوادث مشمول این ماده، هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع قانون و محمولات آنها است؛ از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه. (بند «پ» ماده ۱ قانون بیمه اجباری)

۸. اگر حادثه به طور کامل ناشی از تقصیر عابر پیاده (زیان‌دیده) باشد اگر چه راننده مسؤولیتی ندارد، اما از مسؤولیت شرکت بیمه در جبران خسارت نمی‌کاهد و بیمه‌گر در حدود بیمه‌نامه مکلف به جبران خسارت عابر است. (ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، ماده ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن) البته در صورتی که عابر زیان‌دیده، در وارد کردن خسارت به خود عمد داشته باشد مانند آنکه عمداً به قصد خودکشی خود را مقابل خودرویی بیندازد، در این صورت شرکت بیمه جبران خسارت نمی‌کند (به استناد ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری)

۹. این قانون امری است؛ بنابراین درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایایی کمتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری را مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر به هر نحوی که باشد، باطل است. البته این شرط، مبطل عقد بیمه نیست و بیمه‌نامه همچنان صحیح است. همچنین أخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق تأمین خسارات بدنی مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلا اثر است. (ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری)

۱۰. بیمه خسارات موضوع این قانون، مشمول مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه (مصوب ۱۳۱۶) نیست. طبق مواد مزبور، اگر بیمه‌گذار "عمداً" اظهارات خلاف واقع نماید، قرارداد بیمه باطل است و اگر بیمه‌گذار "سهواً" اظهارات خلاف واقع نماید، قرارداد بیمه قابل فسخ است؛ اما این بطلان یا قابلیت فسخ نسبت به بیمه‌های موضوع قانون بیمه اجباری ... رعایت نمی‌شود. (تبصره ۲ ماده ۸ قانون بیمه اجباری) بنابراین، در این خصوص، نوعی تخصیص رخ داده است.

مفهوم خسارت در مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی

۱. منظور از خسارت، اعم از خسارت مالی یا بدنی است. (ماده ۲ قانون بیمه اجباری)
۲. منظور از شخص ثالث هر شخص زیان دیده‌ای غیر از راننده مسبب حادثه است، اعم از عابرین پیاده، سرنشینان وسایل دیگر یا سرنشینان همان وسایل نقلیه (به جز راننده) (بند «ت» ماده ۱ قانون بیمه اجباری)
۳. منظور از خسارت مالی، خسارات وارده به اموال اشخاص ثالث؛ یعنی، اشخاص مذکور در بند فوق است. (بند «ب» ماده ۱ قانون بیمه اجباری) خسارات وارده به اموال راننده مسبب حادثه مشمول این قانون نیست.
۴. منظور از خسارات بدنی، هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کارافتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی و موقت یا دائم و دیه فوت و هزینه معالجه است. (بند «الف» ماده ۱ قانون بیمه اجباری)
۵. هم خسارات بدنی اشخاص ثالث و هم خسارات بدنی راننده مسبب حادثه، مشمول این قانون است، برخلاف آنکه خسارات مالی راننده مسبب حادثه مشمول این قانون نیست. (ماده ۳ قانون بیمه اجباری)
۶. مبلغی که به عنوان بیمه در خسارات بدنی از جانب شرکت بیمه‌گر تأدیه می‌شود، به اندازه دیه یک مرد مسلمان است، چه متوفی، مرد باشد یا زن، چه مسلمان باشد یا غیرمسلمان (مواد ۳ و ۱۰ قانون بیمه اجباری). در فرضی که زیان دیده زن باشد، مبلغی که به عنوان مازاد بر دیه شرعی پرداخت می‌شود، تحت عنوان «بیمه حوادث» پرداخت می‌شود و عنوان «دیه» ندارد. همین قاعده در فرضی که زیان دیده، غیرمسلمان باشد نیز جاری است.
۷. در صورت تعدد زیان دیدگان مستحق دیه، شرکت بیمه‌گر باید دیه تمام ایشان را بپردازد. (تبصره ماده ۹ قانون بیمه اجباری)
۸. موارد ذیل از شمول بیمه خارج است؛ بدین معنی که توسط هیچ شخصی اعم از شرکت بیمه و صندوق تأمین خسارات بدنی جبران نمی‌شود: (ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری)

- خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محموله آن.
 - خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو.
 - خسارت ناشی از محکومیت جزایی و یا پرداخت جرائم.
 - قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آنها، مثل قدرت نمایی.
 - اگر خدعه و تبانی اشخاص برای دریافت خسارت در نزد مراجع قضایی اثبات شود.
- تکلیف دارنده خودرو به انعقاد قرارداد بیمه: این تکلیف در دو بخش قابل بررسی است.

۱. تکلیف به بیمه خسارات بدنی:

- نسبت به اشخاص ثالث (کلیه زیان دیدگان غیر از راننده مسبب حادثه): حداقل مبلغ بیمه در بخش خسارات بدنی، معادل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام است. (ماده ۸ ق. بیمه اجباری)
 - نسبت به راننده مسبب حادثه: علاوه بر بیمه خسارات وارد به ثالث، دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث أخذ کند؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه جرح یا ارش در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می‌باشد (ماده ۳ قانون بیمه اجباری)
۲. تکلیف به بیمه خسارات مالی اشخاص ثالث: حداقل بیمه موضوع این قانون در بخش خسارات مالی، معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است. (ماده ۸ قانون بیمه اجباری)
- البته باید توجه کرد که صرفاً خسارات مالی وارده به اشخاص ثالث مشمول این قانون است؛ نه خسارات مالی وارده به راننده مسبب حادثه.

خسارات بدنی مشمول قانون: خسارات بدنی ذیل مشمول این قانون هستند:

۱. حداقل مبلغ بیمه در بخش خسارات بدنی معادل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام است. (ماده ۸ قانون بیمه اجباری)

۲. در صورت افزایش میزان دیه در جریان قرارداد بیمه، قرارداد بیمه، مبلغ دیه جدید را نیز دربرمی‌گیرد و بیمه‌گذار موظف به پرداخت مجدد حق بیمه و اخذ الحاقیه نیست. (ماده ۸ قانون بیمه اجباری)

۳. اگر در یک حادثه، مسؤول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هریک از زیان‌دیدگان محکوم شود، یعنی آنکه به زیان‌دیده چند صدمه بدنی وارد شده باشد، بیمه‌گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از این که مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد. (ماده ۹ قانون بیمه اجباری)

۴. بیمه‌گر مکلف است خسارات بدنی را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند، مراجع قضایی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند. بنابراین مبلغ مازاد بر دیه، حکم دیه را ندارد و تابع احکام خاص دیه نیست. (ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری)

۵. تعهد بیمه‌گر در قبال زیان‌دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه است. (ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۶. در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان‌دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارده به هریک از زیان‌دیدگان بین آنان تقسیم می‌شود و مابه‌التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان‌دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت و از مسبب حادثه بازپایافت می‌شود. (ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۷. در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دو سال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می‌شود. (ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۸. تعهد بیمه‌گر در قبال زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه است. (ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۹. در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارده به هریک از زیان‌دیدگان بین آنان تقسیم می‌شود و مابه‌التفاوت خسارات بدنی هر یک از زیان‌دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. (ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری)

۱۰. بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارات بدنی حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء، یعنی به نرخ دیه زمان پرداخت بپردازند. (ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری)

خسارات مالی مشمول قانون: خسارات مالی ذیل مشمول این قانون هستند: (ماده ۸ قانون بیمه اجباری)

۱. حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارات مالی، معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی است.

۲. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه، یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند و در این صورت، بیمه‌گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه‌گذار است.

متعارف بودن خسارات مالی: در قانون بیمه اجباری شخص ثالث، قانون‌گذار مطلب قابل توجهی را پیش‌بینی کرده است و آن اینکه خسارات مالی وارد به خودروها را تا سقف خسارات وارد به یک خودروی متعارف قابل جبران دانسته است. برای مثال، اگر شخصی خودرویی گران‌قیمت داشته باشد و بر اثر تقصیر یک آدم در حوادث رانندگی به این خودروی گران‌قیمت خسارت وارد شود، بخشی از این خسارت جبران نشده باقی می‌ماند. در این خصوص باید توجه داشت که:

۱. خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً به آن اندازه جبران می‌شود که همین خسارت (خسارت متناظر) به گران‌ترین خودروی متعارف وارد شود. برای مثال اگر بر اثر تصادف، آینه یک خودروی بنز آسیب ببیند، به اندازه هزینه تعمیر یا جایگزینی آینه گران‌ترین خودرو متعارف، از مالک بنز جبران خسارت می‌شود؛ نه به اندازه آینه بنز.

۲. جبران خسارت چه توسط شرکت بیمه از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث به عمل آید و چه توسط شخص مُقَصِّر حادثه به عمل آید، مشمول این مقرر است.

۳. منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از نصف سقف تعهدات بدنی باشد که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود، یعنی قیمت آن خودرو کمتر از نصف دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام باشد.

شیوه جبران خسارت مالی و بدنی اشخاص ثالث: در این خصوص با دو حالت مواجهیم: (ماده ۴ قانون بیمه اجباری)

۱. **اگر وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه‌نامه باشد:** جبران خسارت در حدود مقررات بر عهده شرکت بیمه است. در این خصوص باید توجه داشت که:

- در صورت نیاز به طرح دعوا در خصوص مطالبه خسارت، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوا را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کنند.

- مسؤولیت کیفری راننده مسبب حادثه به قوت خود باقی است.

۲. **اگر وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه باشد یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری باشد:** خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود. در این خصوص باید توجه داشت که:

- در صورت نیاز به طرح دعوا در این خصوص، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوا را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کنند.

- خسارات مالی بر عهده صندوق مزبور نیست، و از خود مسبب حادثه قابل مطالبه است.

جایگاه بیمه در انتقالات خودرو

۱. از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه به منتقل‌شده منتقل می‌شود و او تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب می‌شود. (ماده ۶ قانون بیمه اجباری)

۲. کلیه تخفیفاتی که به واسطه نداشتن حوادث منجر به خسارت در قرارداد بیمه اعمال شده باشد، متعلق به انتقال‌دهنده است؛ که می‌تواند آن تخفیفات را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند. (ماده ۶ قانون بیمه اجباری)

۳. دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج، وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث ناشی از آن به موجب بیمه‌نامه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند، مکلفند هنگام ورود به مرز ایران وسیله نقلیه خود را نسبت به اشخاص ثالث بیمه کنند. (ماده ۷ قانون بیمه اجباری)

۴. دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می‌شوند باید هنگام خروج، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی ممکن است وارد شود، و نیز نسبت به حوادث راننده، بیمه کنند. در غیر این صورت، از تردد وسایل مزبور جلوگیری می‌شود. (ماده ۷ قانون بیمه اجباری)

مراجعه شرکت بیمه به مسؤولان مسبب حادثه: شرکت بیمه پس از جبران خسارت می‌تواند در موارد خاصی به نحو ذیل به قائم‌مقامی زیان‌دیده به مسؤولان حادثه رجوع و مبالغ پرداختی را از ایشان وصول کند: (ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری)

۱. شرکت بیمه پس از تأدیه خسارت، علی‌الاصول نمی‌تواند برای دریافت مبالغ تأدیه‌شده به دارنده وسایل نقلیه یا راننده آن مراجعه کند. (ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری)

۲. در موارد ذیل، شرکت بیمه می‌تواند پس از تأدیه خسارات، به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند و از ایشان بازپرداخت مبالغ را درخواست کند. این موارد که می‌توان آن‌ها را استثنائاتی بر بند قبلی دانست، عبارتند از: (ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری)

- عمدی بودن خسارت
- رانندگی در حال مستی
- رانندگی در حال استعمال مواد مخدر یا روان گردان مؤثر در حادثه
- رانندگی بدون گواهینامه
- رانندگی با گواهینامه نامتناسب با وسیله نقلیه

۳. در مواردی که طبق این قانون، بیمه‌گر، حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گر در حکم اسناد لازم الاجرا است و از طریق دوائر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل وصول است. (ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری)

۴. اگر حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از شخصی که آموزش می‌بیند یا در حال دادن آزمون است، قابل باز یافت نخواهد بود و حسب مورد، مربی آموزشی یا شخصی که در حال گرفتن آزمون است، راننده محسوب می‌شود. (ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری)

۵. اگر برای مرجع قضایی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوطه یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان دیده می‌تواند برای باز یافت مبلغ پرداختی به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود به مسبب ذی ربط مراجعه کند. (ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری)

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی: به موجب ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری، صندوقی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پیش‌بینی شده، که یک نهاد عمومی غیردولتی است. (ماد ۲۸ قانون بیمه اجباری) این صندوق در موارد ذیل به جبران

خسارت بدنی (نه مالی) زیان دیدگان حوادث رانندگی می‌پردازد:

۱. فقدان یا انتضای بیمه‌نامه شخص ثالث خودروی مسبب حادثه
۲. بطلان قرارداد بیمه
۳. شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه
۴. کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه
۵. تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه
۶. ورشکستگی بیمه‌گر

۷. به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر توسط صندوق تأمین خسارت بدنی جبران می‌شود. تشخیص اینکه چه مواردی خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر است، با شورای عالی بیمه است. (تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون بیمه اجباری) برای مثال موارد زیر از تعهدات بیمه‌گر خارج است و توسط صندوق تأمین خسارت بدنی جبران می‌شود:

- خسارات وارده به اشخاص ثالثی که در قسمت‌هایی از وسیله نقلیه، مانند صندوق عقب خودرو، مستقر شده‌اند که برای استقرار انسان تعبیه نشده است.
- خسارات وارده به اشخاص ثالث ایرانی توسط وسایل نقلیه ایرانی در خارج از کشور در صورتی که وسیله نقلیه فاقد پوشش بیمه‌نامه باشد.

شیوه جبران خسارت بدنی توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی: این صندوق در جبران خسارت بدنی قواعد ذیل را رعایت می‌کند:

۱. معادل دیه شخص زیان دیده را تأیید می‌کند.
۲. در تأدیه مبلغ خسارت تفاوتی از حیث جنسیت و مذهب اعمال نمی‌شود.

۳. صندوق فقط عهده‌دار جبران خسارات بدنی است، نه مالی.
۴. اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوطه یا صندوق مراجعه کنند.
- مراجعه صندوق به مسؤول و مسبب حادثه:** صندوق پس از جبران خسارت می‌تواند به نحو ذیل به قائم‌مقامی زیان‌دیده به «مسؤول حادثه» مراجعه و مبالغ پرداختی را از ایشان وصول کند: (ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری)
۱. اگر پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضا یا بطلان بیمه‌نامه باشد، به مسبب حادثه رجوع می‌کند.
 ۲. اگر پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر باشد، به بیمه‌گر و مدیران آن رجوع می‌کند.
 ۳. اگر پرداخت خسارت به سبب شناخته‌نشده و وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته‌شدن شخص یا خودروی مسبب حادثه، حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی رجوع می‌کند.
 ۴. اگر پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، به راننده مسبب حادثه رجوع می‌کند.
 ۵. اگر به حکم مرجع قضایی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوطه یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، صندوق پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده می‌تواند برای باز یافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود به مسببان ذی‌ربط مراجعه کند.
 ۶. در موارد زیر صندوق نمی‌تواند برای باز یافت خسارت پرداختی به مسبب حادثه رجوع کند:
 - بیمه‌گر باید خسارت بدنی متعلق به شخص ثالث را به نرخ دیه یوم‌الاداء بپردازد. اگر خسارت بدنی که بیمه‌گر به زیان‌دیده پرداخت کرده، بیش از تعهد وی (دیه مرد مسلمان در ماه حرام) باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه منتسب به تأخیر بیمه‌گر نباشد. در صورت کسری پوشش بیمه‌نامه به واسطه افزایش مبلغ ریالی دیه، جبران این کسری با صندوق تأمین خسارات بدنی است و نمی‌تواند بابت آن به شخصی مراجعه کند.
 - در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم ورشکستگی بیمه‌گر، صندوق فقط می‌تواند به بیمه‌گر و مدیران آن رجوع کند و حق مراجعه به مسبب حادثه را ندارد.
 - اگر مجموع زیان وارده به زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر باشد، مابه‌التفاوت مبلغ توسط صندوق داده می‌شود؛ اما از مسبب حادثه قابل وصول نیست؛ یعنی صندوق نمی‌تواند بعداً برای دریافت مبالغ پرداختی به شخص مراجعه کند؛ اما اگر مجموع خسارت وارده به زیان‌دیدگان داخل وسیله نقلیه‌ای که مسبب حادثه بوده، بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر باشد، مابه‌التفاوت مبلغ توسط صندوق داده می‌شود؛ اما از مسبب حادثه قابل وصول است.
 - در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی پرداخت می‌کند، مابه‌التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان قابل وصول نیست.
- شیوه مراجعه صندوق به مسؤولان و مسببان حادثه:** صندوق پس از جبران خسارت می‌تواند به نحو ذیل به قائم‌مقامی زیان‌دیده به مسؤولان حادثه مراجعه و مبالغ پرداختی را از ایشان وصول کند: (ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری)
۱. اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت‌های خسارت توسط صندوق در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل وصول است. (ماده ۲۶ قانون بیمه اجباری)
 ۲. صندوق از پرداخت هزینه دادرسی و اوراق و هزینه اجرا (چه اجرای احکام دادگستری و چه اجرای ثبت) معاف است. (تبصره ۴ ماده ۲۳ قانون بیمه اجباری)

۳. اختلافات بین صندوق و شرکت‌های بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیأتی مرکب از دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه که هر کدام به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و اتحادیه بیمه‌گران باشند، حل و فصل می‌شود. در این خصوص (ماده ۲۹ قانون بیمه اجباری) باید توجه داشت که: ملاک تصمیم‌گیری، رأی اکثریت اعضای هیأت است و رأی صادرشده لازم‌الاجرا است.

- هر یک از طرفین می‌تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی در مرجع قضایی ذی صلاح اقامه دعوی کند.
- از این عبارت می‌توان فهمید که هیأت مزبور، یک داوری الزامی محسوب شده و رأی هیأت مزبور مانند سایر آرای داوری، در محاکم، قابل اعتراض و ابطال است.

شیوه جبران خسارات بدنی

۱. در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت، در صورت مطالبه زیان‌دیده، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین‌شهری) و پزشکی قانونی، بیمه‌گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق حسب مورد مکلفند بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان‌دیده پرداخت کرده و باقی‌مانده آن را پس از معین‌شدن میزان قطعی دیه بپردازند.

۲. اگر شخص فوت کرده باشد، دیه به وراث او پرداخت می‌شود. (ماده ۳۶ قانون بیمه اجباری)

۳. هم اشخاص ثالث زیان‌دیده و هم راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشند، می‌توانند علاوه بر دیه، هزینه‌های معالجه خود را حسب مورد از شرکت بیمه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی دریافت کنند. (ماده ۳۵ قانون بیمه اجباری)

شیوه پرداخت خسارات مالی توسط شرکت‌های بیمه: (ماده ۳۹ قانون بیمه اجباری)

۱. در وهله اول، خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان‌دیده و شرکت بیمه پرداخت می‌شود.
۲. اگر بین زیان‌دیده و شرکت بیمه در خصوص میزان خسارت، توافق نشود، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان‌دیده، وسیله نقلیه خسارت‌دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان‌دیده باشد تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه مذکور پرداخت کند.
۳. اگر اختلاف از طریق مذکور حل و فصل نشود، موضوع به یک ارزیاب دارای مجوز از بیمه مرکزی به انتخاب و هزینه زیان‌دیده ارجاع می‌شود.

۴. هر یک از طرفین، ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می‌توانند در مرجع صالح، اقامه دعوا کنند. در صورت عدم طرح دعوا توسط طرفین در مهلت مقرر، نظر ارزیاب خسارت، قطعی و لازم‌الاجرا است.

پرداخت خسارت بدون گزارش مأمور انتظامی: شرکت‌های بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی را با جمع شرایط ذیل، بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت کنند: (ماده ۴۰ قانون بیمه اجباری)

۱. خسارات مالی باشد، نه خسارات بدنی.
۲. هم وسیله نقلیه عامل زیان و هم وسیله نقلیه زیان‌دیده در زمان حادثه، دارای بیمه‌نامه معتبر باشند.
۳. بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد.
۴. خسارت مالی وارد به خودرو تا میزان مندرج در ماده ۸ قانون بیمه اجباری یعنی نهایتاً به میزان دو و نیم درصد (۲/۵٪) دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام باشد.

شیوه رسیدگی مراجع قضایی به دعاوی ناشی از قانون بیمه اجباری شخص ثالث: (ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری)

۱. در صورت طرح دعوا توسط شخص زیان‌دیده علیه مسبب حادثه، کلیه مراجع قانونی از قبیل دادسرا و دادگاه در رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی موضوع قانون بیمه اجباری مکلفند صندوق تأمین خسارت‌های بدنی یا شرکت بیمه مربوطه

را حتی اگر طرف دعوا نباشند، از طرح دعوا علیه مسبب حادثه مطلع نمایند و زمان تشکیل جلسات داده را رسماً به آنان ابلاغ کنند.

۲. دادگاه مکلف است پس از صدور رأی در پرونده‌های مندرج در بند فوق، نسخه‌ای از رأی صادرشده را به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی یا شرکت بیمه مربوطه ابلاغ کند.

۳. شرکت بیمه مربوطه یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی می‌توانند با رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوا به عنوان ثالث ورود کنند یا پس از صدور رأی قطعی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی به عنوان ثالث اعتراض کنند.

۴. این اعتراض ثالث با اعتراض ثالث مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی یک تفاوت دارد و آن، اینکه مانع از اجرای حکم نیست.

بخش چهارم: مسؤولیت مدنی رسانه‌ها

مفهوم رسانه: رسانه وسیله‌ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد جامعه؛ «رسانه یک واسطه عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است و دو نوع کارکرد آشکار و پنهان برای آن وجود دارد که کارکرد آشکار آن یعنی اینکه رسانه محل برخورد پیام و گیرنده پیام است اما کارکرد پنهان رسانه یعنی برقرارکننده جریان ارتباط و پیام‌رسانی است.»

انواع رسانه:

با توجه به گسترش روزافزون فناوری در دنیا، تعدد رسانه‌ها مدام در حال گسترش است که در دسته‌بندی گروه‌های گوناگونی قرار می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به گروه‌های زیر اشاره کرد:

۱. رسانه‌های نوشتاری مانند: مطبوعات، کتاب و مجلات.
۲. رسانه‌های شنیداری مانند: رادیو و پادکست.
۳. رسانه‌های دیداری مانند: تلویزیون، سینما و اینترنت.
۴. رسانه‌های ابزاری مانند: اعلامیه، بروشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، پلاکارد، آرم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر.
۵. رسانه‌های نهادی یا گروهی مانند: روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی و بنیادهای سینمایی.
۶. رسانه‌های فرانهادی مانند: خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چندملیتی، فیلم‌های سینمایی و شبکه‌های ماهواره‌ای.

بر اساس ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی که بیان می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

هر کس اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در حوزه رسانه، همانند فعالان رسانه‌های و یا خبرگزاری‌ها با انتشار هرگونه اثری که به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

بخش پنجم: مسؤولیت مدنی ناشی از تولید یا عرضه کالا و خدمات

در گذشته‌ای نه چندان دور دعاوی مطرح شده از جانب مصرف‌کننده زیان‌دیده بر مبنای مسئولیت قراردادی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، اما دیری نگذشت که نقاط ضعف چنین مبنایی زمینه‌ساز گذر از مبنای مذکور و حرکت به سوی مبنای غیرقراردادی شد.

غالباً کسانی که از مصرف کالا متضرر می‌شوند، هیچ رابطه قراردادی با تولیدکننده ندارند؛ و از طرفی میزان خسارت وارده نیز در اکثر موارد بیش از بهای قراردادی کالا است؛ بنابراین اعمال مبنای قراردادی به سود تولیدکنندگان و به زیان مصرف‌کنندگان بود؛ اما در حال حاضر، مسئولیت ناشی از تولید و عرضه کالا بر اثر مبنای غیرقراردادی به عرضه‌کنندگان کالا تحمیل می‌شود.

تعریف مصرف‌کننده و عرضه‌کنندگان کالا و خدمات طبق تعریف قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ماده ۱: «تعاریف:

مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند.

عرضه‌کنندگان کالا و خدمات: به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند اطلاق می‌شود.

مبنای مسئولیت تولیدکنندگان کالا

قانونگذار مبنای مسئولیت غیرقراردادی تولیدکنندگان کالا را تعیین نکرده و در ماده «۲» تشخیص آن را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است. درحالی‌که در این قانون به عنوان قانون حمایت از مصرف‌کنندگان لازم بود در این زمینه تعیین تکلیف می‌شد. با توجه به قانون فعلی، در صورتی‌که بپذیریم جبران خسارت مصرف‌کنندگان زیان‌دیده نیز مشمول قانون است، با توجه به ارجاع به قوانین، قرارداد یا عرف باید بپذیریم که مسئولیت تولیدکنندگان بر مبنای تقصیر استوار شده است؛ زیرا هرکس کالایی را بر خلاف مقررات قانونی یا مندرجات قرارداد یا عرف، تولید یا عرضه نماید، مرتکب تقصیر شده است، همان‌گونه که از مواد «۹۵۲» تا «۹۵۴» قانون مدنی برمی‌آید، تقصیر، تجاوز از قانون، قرارداد یا عرف است. به ویژه آنکه مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ما طبق ماده «۱» قانون مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است؛ بنابراین، در موارد ابهام باید به این ماده رجوع نمود. مبنای مسئولیت تولیدکنندگان بر تقصیر نه تنها با تحولات صورت گرفته در حوزه حقوق مصرف و حمایت از مصرف‌کننده سازگار است بلکه جبران خسارت آنان را بسیار دشوار کرده و در برخی موارد اثبات تقصیر را غیرممکن می‌سازد.

مبنای مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات

در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مسئولیت تولیدکنندگان کالا و خدمات در عرض یکدیگر قرار گرفته است و مسئولیت هر دو در چهارچوب قانون، قرارداد و عرف پذیرفته شده است. به این ترتیب مسئولیت عرضه‌کنندگان خدمات نیز مبتنی بر تقصیر است. اساتید حقوق مدنی نیز مسئولیت عرضه‌کنندگان خدمات را در کنار اشخاص حرفه‌ای و تحت عنوان «تقصیر شغلی و مسئولیت حرفه‌ای» قرار داده و مبتنی بر تقصیر دانسته‌اند. معیار تقصیر شغلی و حرفه‌ای نیز رفتار متعارف یک شخص متخصص در آن حرفه و شغل است.

این گفته با ماده «۲» قانون پیش گفته و همچنین با ماده «۱» قانون مسئولیت مدنی که مبنای مسئولیت را بر تقصیر استوار نموده است مطابقت دارد، زیرا به موجب ماده اخیر، شخص در صورتی مسؤول است که مرتکب تقصیر شده باشد و از آنجا که لحاظ نمودن رفتار انسان متعارف به عنوان معیار تحقق تقصیر صاحبان حرفه، به معنای نادیده گرفتن دانش، تخصص و مهارت اشخاص حرفه‌ای است، ناگزیر باید رفتار شخص حرفه‌ای متخصص متعارف در همان تخصص موردنظر را ملاک قرار داد.

مسئولیت صحت و سلامت کالا و خدمات در قبال مصرف‌کنندگان بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان کالا و خدمات

ماده ۲: کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند.

طبق این ماده، عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات اگر به صورت شرکت یا گروه و یا جمعی از افراد باشند، مسئولیت آنان به صورت تضامنی در قبال صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده است.

مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان کالا و خدمات

ماده ۱۶: «مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف‌کننده شده است. در مورد شرکت‌های خارجی علاوه بر شرکت مادر، شعبه یا نمایندگی آن در ایران مسئول خواهد بود.»
به موجب این ماده جبران خسارت بر عهده شخصی است که موجب ورود خسارت و ضرر و زیان به مصرف‌کننده شده است؛ فرقی ندارد که این شخص، حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی باشد.

بخش ششم: مسئولیت مدنی ناشی از تولید خودرو

تعاریف طبق ماده ۱ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو

ماده ۱: «اصطلاحات ذیل در معانی مشروح مربوط به کاربرده می‌شود:

خودرو: هر نوع وسیله نقلیه موتور تولید داخل یا خارج برای استفاده در معابر عمومی برای حمل سرنشین و بار تا ظرفیت مجاز.

عرضه‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که به‌طور مستقیم یا از طریق واسطه فروش مبادرت به فروش خودروهای نو تولیدی یا وارداتی خود می‌کند.

مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد.»

مسئولیت عرضه‌کننده خودرو در قبال مصرف‌کننده

ماده ۳: «عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید، یا حمل) است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو، بروز نموده و با مفاد ضمانت‌نامه و مشخصات اعلامی به مصرف‌کننده مغایر بوده یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود. هزینه رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد) هزینه‌های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات (چنانچه مدت توقف خودرو بیش از چهل و هشت ساعت باشد)، بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد.»

بخش هفتم: مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی

اصل بیست و دوم:

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

اصل بیست و پنجم:

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.»

طبق اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی در فصل حقوق ملت هرگونه نقض حریم خصوصی افراد ممنوع است و هر کس که حریم شخصی افراد را نقض کند در وهله اول اگر جرم نباشد؛ می‌توان بر مبنای ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی که بیان می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.» فردی که زیان وارد نموده را مسؤول جبران ضرر و زیان دانست و او را ملزم به پرداخت خسارت کرد.

بخش هشتم: مسئولیت مجبورین

ماده ۱۲۱۶ ق.م: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.»

مسئولیت صغیر، مجنون و سفیه در این خصوص، اعم از آن است که مجبور، مباشر تلف باشد یا مسبب آن (صفایی «حقوق مدنی، اشخاص و مجبورین»، ص ۲۰۲)

شرط تقصیر در مسئولیت مدنی مفهومی نوعی است که عبارت است از رفتار غیرمتعارف.

برای مسؤول شناختن صغیر یا مجنون باید رفتار او را با یک انسان بالغ و عاقل مقایسه کرد، نه کودکان و یا مجانین. (صفایی «حقوق مدنی، اشخاص و مجبورین»، ص ۲۰۳)

در صورت تقصیر سرپرست، ضامن او بر مسئولیت صغیر یا مجنون مقدم است و اقامه دعوی بر صغیر، زمانی است که سرپرست استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد. این تقدّم مشروط، تخصیصی بر ماده ۱۲۱۶ ق.م است. (کاتوزیان «قانون مدنی در نظم حقوق کنونی»، ص ۷۳۶).

سرپرست پس از جبران خسارت طبق ماده ۷ ق.م.م، حق رجوع به مجنون و صغیر غیرممیز را ندارد، چرا که عرف، خسارت را مستند به فعل سرپرست می‌داند؛ اما در مورد صغیر ممیز، سرپرست می‌تواند حسب مورد برای مطالبه تمام یا بخشی از خسارت که عرف آن را مستند به عمل صغیر می‌داند، مراجعه نماید. (کاتوزیان «قانون مدنی در نظم حقوق کنونی»، ص ۷۳۶).

در صورتی که مجبور با خودروی پدرش به دیگری ضرر بزند، پدر، هم به خاطر تقصیر در نگهداری از مجبور مسؤول است و هم به خاطر نقض تکلیفش در حفاظت از خودرو «قانون بیمه اجباری». منتها چنانچه زیان دیده بخواهد از باب مسئولیت اول، مطالبه خسارت کند، باید تقصیر پدر را ثابت نماید؛ اما در مورد دوم، نیازی به اثبات تقصیر نیست. (کاتوزیان «قانون مدنی در نظم حقوق کنونی»، ص ۷۳۶).

چنانچه دولت در وظایف خود نسبت به مجنون، کوتاهی کند، مثلاً در نصب قیّم و بدین ترتیب مجنون به دیگری زیان وارد کند، دولت، سبب اقوی از مباشر بوده و مسؤول خواهد بود. (م ۱۱ ق.م.م)

بخش نهم: مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون

ماده ۷: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان، جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد.»

شرط ایجاد مسئولیت

چنانکه گفته شد، مسؤولیت سرپرست و مواظبِ صغیر و مجنون نسبت به اُعمال او مبتنی بر تقصیر است (ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی). همچنین، می‌دانیم که مسؤولیت صغیر و مجنون تابع قواعد عمومی است که، جز در مورد اتلاف، در صورتی تحقق می‌یابد که مرتکب بر خلاف قواعد اجتماعی (قانون یا عرف) رفتار کرده باشد و کار او از این دیدگاه خطا و ناشایسته محسوب شود. ولی، این سؤال بی‌پاسخ مانده است که آیا برای تحقق مسؤولیتِ سرپرستِ صغیر و مجنون لازم است که آنان مرتکب تقصیر شده باشند یا انتساب فعل زیان‌بار به کودک یا مجنون کافی است؟

نویسندگان حقوقی در این باره اختلاف دارند. رویه قضایی نیز هنوز در این باره تصمیم نگرفته است. ولی، بر مبنای قواعد عمومی، می‌توان گفت که سرپرست و مواظب کودک و مجنون (از جمله پدر و مادر) در صورتی ضامن خسارت ناشی از فعل آنها هستند که، بر طبق قواعد عمومی مسؤولیت مدنی، بتوان کودک و مجنون را مسؤول شمرد، خواه این مسؤولیت منوط به داشتن تقصیر باشد یا مانند اتلاف و داشتن وسیله نقلیه موتوری بدون تقصیر ایجاد شود. پس، اگر کودک با موتورسیکلتی که دارنده آن است به دیگری ضرر بزند یا شیشه خانه‌ای را با سنگ بشکند و این اضرار ناشی از تقصیر در نگاهداری و مواظبت پدر و مادر باشد، آنان مسؤولند. اما اگر کودکی با دوچرخه خویش از گذرگاه ویژه دوچرخه‌ها حرکت کند و با دست‌فروشی که برخلاف نظام رانندگی در این گذرگاه بساط پهن کرده است برخورد کند و ضرر بزند، این ضرر منسوب به کودک نمی‌شود و عرف و قانون دست‌فروش را سبب آن می‌بینند. در نتیجه، طبیعی است که پدر و مادر مسؤول چنین ضرری نیستند.

سرپرست صغیر یا مجنون وقتی مسؤول جبران خسارت‌اند که در نگاهداری یا مواظبت صغیر یا مجنون کوتاهی کرده باشند. در این مورد مسؤولیت به فعل و ترک فعل «تعدی و تفریط» سرپرست برمی‌گردد. اگر خسارت ناشی از تقصیر ولی یا سرپرست در نگاهداری یا مواظبت از صغیر یا مجنون بوده باشد: خسارت بر عهده ولی یا سرپرست است؛ با این حال اگر سرپرست تمکن کافی برای پرداخت خسارت را نداشته باشد، مابقی خسارت از اموال خود صغیر جبران می‌شود.

تقصیر در نگاهداری، مواظبت و تربیت

در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی «تقصیر در نگاهداری یا مواظبت» مبنای مسؤولیتِ سرپرستِ کودک و دیوانه است. هنوز مفهوم دو واژه «نگاهداری» و «مواظبت» در رویه‌های قضایی روشن نشده است، ولی باید دانست که:

۱. نگاهداری بیشتر در موردی به کار می‌رود که سرپرست در محل سکونت یا کار حرفه‌ای خود از کودک یا دیوانه پذیرایی می‌کند و هزینه غذا و محل سکونت و استراحت و لباس و تربیت او را به عهده دارد.

۲. مواظبت به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و دیوانه و نظارت بر رفتار و معاشرت و تعلیم و تربیت او گفته می‌شود. برای مثال، در فرضی که کودکی به کودکستان یا مهد کودک سپرده می‌شود یا نوجوانی برای فراگیری فنّ شنا به مؤسسه‌ای می‌رود، چهره‌ای ویژه از مواظبت به عهده آن مؤسسه قرار می‌گیرد یا دست کم تکیه بر مواظبت است و نگاهداری در آن جنبه فرعی دارد.

در این که آیا مواظبت و نگاهداری هم شامل «تربیت» کودک بوده و به عنوان «تقصیر در تربیت» نیز می‌توان سرپرست را مسؤول قرار داد یا ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی ضامن ناشی از تربیت را دربر نمی‌گیرد، راه حل روشنی در حقوق ما وجود ندارد. از لحاظ نظری، می‌توان پذیرفت که تقصیر در تربیت نیز سبب ضامن است، ولی در عمل، چون اثبات تقصیر به عهده زیان‌دیده است، به سختی ممکن است رابطه سببیت بین نقص تربیت و ارتکاب فعل زیان‌بار را اثبات کرد، مگر این که قانونگذار وجود تقصیر و رابطه آن با رفتار کودک را مفروض بداند و پدر و مادر یا سرپرست را مسؤول اُعمال کودک قرار دهد.

احکام حالت‌های مختلف اضرار صغیر یا مجنون به دیگران:

از جمع بین ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی می‌توان احکام زیر را در موردی که صغیر یا مجنونی به دیگری ضرر می‌زند استخراج کرد:

۱. کسی که به حکم قانون یا قرارداد نگاهداری یا مواظبت صغیر و مجنون به عهده او است مرتکب تقصیر شده است: در این فرض، صغیر و مجنون اصولاً مسؤولیتی ندارند و کسی که در نگاهداری یا مواظبت از آنان کوتاهی کرده است

باید جبران خسارت کند. این حکم، ویژه پدر و مادر یا وصی و قیم نیست؛ تمام کسانی که موظف به نگاهداری یا مواظبت از محجور هستند، مانند دایه و پرستار و معلم کودکان و مدیر تیمارستان، مشمول آنان قرار می‌گیرند. در این ماده (ماده ۷ ق.م.م) مسئولیت پدر و مادر نیز در شمار سایر سرپرستان قرار گرفته و مشروط به تکلیف نگاهداری شده است. پس، اگر به شکلی مشروع کودک به دیگری سپرده شده باشد (مانند موردی که طفل در اثر تصمیم دادگاه به پدربزرگ او سپرده می‌شود) مسئولیت این اشخاص مطابق قاعده است، و اگر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی هم به آن تصریح نمی‌کرد، از قواعد مدنی استنباط می‌شد. زیرا، در نظر عرف، رابطه علیت بین خطای سرپرست مجنون و صغیر با زیان قوی‌تر از اقدام آن‌ها است و دیدیم که در چنین مواردی باید مُسَبَّب را مسؤول شمرد.

تنها در پاره‌ای از امور، که صغیر مُمَيَّز باعث ضرر غیر می‌شود، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی قاعده مسئولیت سبب قوی‌تر را گسترش داده است. زیرا، رابطه عرفی میان فعل صغیر مُمَيَّز و وقوع حادثه به اندازه کافی قوی هست که بتواند رابطه تقصیر پدر و مادر را با آن حادثه، بر مبنای قواعد عمومی، قطع کند و کودک هشیار را در حکم مباشر سازد. پس ضامن پدر و مادر نسبت به این إتلاف به واقع مسئولیت نسبت به فعل غیر است که قانون بر آنان تحمیل می‌کند. فرض پیچیده‌تر اختیار زیان‌دیده در استناد به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در حالتی است که کودکی با اتومبیل پدر به دیگری زیان رساند. در چنین حالتی، پدر به عنوان تقصیر در حفاظت از فرزند (مواد ۱ و ۷ ق.م.م) و مالکیت و حفاظت از اتومبیل (قانون بیمه اجباری) مسؤول قرار می‌گیرد و نفع زیان‌دیده در این است که به مسئولیت اخیر استناد کند تا از اثبات تقصیر پدر معاف شود.

۲. سرپرست یا محافظ طفل یا مجنون تقصیر کرده است ولی توانایی جبران خسارت را ندارد: در این فرض، یا باید خسارت را جبران نشده باقی گذارد، یا آن را از مال صغیر و مجنون جبران کرد. قانونگذار راه دوم را برگزیده است. راه حل مورد انتخاب عادلانه‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا ضرر را بر کسی تحمیل می‌کند که باعث آن بوده است.

۳. سرپرست طفل در نگاهداری یا مواظبت از او کوتاهی نکرده است: در این مورد، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی حکمی ندارد و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و سایر قواعد قانون مدنی اجرا می‌شود.

بنابراین، در صورتی که صغیر یا مجنون مباشر إتلاف مال دیگری باشد، ضامن است و هرگاه سبب ورود خسارت شده باشد، در صورتی مسؤول است که بتوان عمل او را با مقایسه با کار انسانی مُتعارف و معقول تقصیر شمرد.

از آنچه تاکنون گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که، برخلاف آنچه شهرت یافته است، مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون ناشی از تقصیر خود آنان است و تنها در مورد صغیر مُمَيَّز (آن‌هم در پاره‌ای از موارد، که عرف او را سبب ورود ضرر می‌داند) می‌توان این مسئولیت را ناشی از فعل غیر دانست.

نتیجه دیگری که باید یادآور شد، این است که مسئولیت سرپرست (پدر و مادر) فرع بر تقصیر محجور نیست و با آن ارتباط ندارد. در فرضی هم که به اجمال می‌دانیم ضامن بر عهده یکی از سرپرستان است ولی شخص ضامن معین نیست، این اجمال چیزی از مسؤولیت سرپرست مُقَصِّر نمی‌کاهد. این قاعده در مورد هر سرپرستی اجرا می‌شود و ویژه پدر و مادر نیست.

نکاتی راجع به مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون

۱. سرپرست ممکن است، سرپرست قانونی باشد یا قراردادی و سرپرست قانونی می‌تواند شخص حقیقی باشد، مانند پدر، مادر، جد پدری، وصی، قیم و یا شخص حقیقی باشد، مثل پرستار خصوصی و یا شخص حقوقی مانند مدارس، مهدکودک، بیمارستان روانی یا سازمان بهزیستی یا باشد.
۲. با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷، والدین طبیعی فرزند متولد از زنا، والدین عرفی کودک تلقی شده و کلیه تکالیف قانونی متوجه آن‌ها نیز خواهد بود؛ بنابراین ماده ۷ ق.م.م در خصوص والدین طبیعی نیز جاری است.
۳. مسئولیت سرپرست، فرع بر مسئولیت محجور است؛ بنابراین اگر خسارت وارده عرفاً مستند به فعل محجور نباشد، سرپرست وی مسؤولیتی ندارد ولو در نگهداری وی کوتاهی کرده باشد.

۴. سرپرست حق رجوع به محجور را ندارد منتهی در صورت ورود ضرر از جانب صغیر مُمَيِّز، مباشر (کودک) در عرف قوی تر از مسبب شناخته می شود. سرپرست، پس از جبران خسارت، حق رجوع به وی را دارد. (کاتوزیان «دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی»، ص. ۱۱۷)
 ۵. در صورت عدم تقصیر سرپرست، موضوع، مصداق ماده فوق (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) نبوده و ماده ۱۲۱۶ مجری خواهد بود.
 ۶. در صورتی که سرپرست، مرتکب تقصیر نشده باشد و صغیر یا مجنون استطاعت جبران تمام یا بخشی از خسارت را نداشته باشد، سرپرست هیچ مسئولیتی ندارد.
 ۷. این ماده در خصوص سفیه اجرا نمی شود و اختصاص به مجنون (اعم از ادواری و دائمی) و صغیر (اعم از مُمَيِّز و غیر مُمَيِّز) دارد.
 ۸. از آنجایی که عمد صغیر یا مجنون در حکم خطای محض است. با جمع شرایط مقرر در قانون مجازات اسلامی، عاقله مسؤول پرداخت دیه جنایت بدنی ارتكابی از سوی صغیر یا مجنون است ولو این که عاقله مرتکب تقصیری نشده باشد.
- اگر شخصی بدون تکلیف قانونی یا قراردادی، از صغیر یا مجنون سرپرستی کند، در قبال افعال زیان بار صغیر یا مجنون چه مسئولیتی دارد؟
- در این مورد ۲ فرض قابل تصور است:
۱. این که کسی که از باب احسان و نیکوکاری، صغیر یا مجنونی را که از منزل فرار نموده و یا مسیر خود را گم کرده و سرگردان است، به طور موقت تحت مراقبت خود قرار دهد تا در موقعیت مناسب او را به سرپرست واقعی او یا مقامات صالح قانونی تحویل دهد؛ در چنین موردی با توجه به نیت خیر خواهانه نگهدارنده و بر مبنای قاعده احسان نباید او را مسؤول دانست. ممکن است گفته شود پس از این که شخص اقدام به نگهداری صغیر یا مجنون نمود، موظف است مراقبت های لازم را طبق عرف انجام دهد. چنانچه در نگهداری صغیر یا مجنون تقصیر کند، همچون سرپرست قانونی یا قراردادی مسؤول افعال زیان بار آنان خواهد بود. این نظر هر چند منصفانه نیست، ولی با اصول حقوقی و فلسفه مسئولیت مدنی که جبران خسارت است، سازگارتر به نظر می رسد.
 ۲. این که شخصی صغیر یا مجنون را بدون تکلیف قانونی یا قراردادی نگهداری کند و در ضمن نگهداری از آنان بهره برداری نماید؛ در چنین صورتی که فرض احسان منتفی است، نگاهدارنده باید مسؤول کلیه اعمال زیان بار صغیر یا مجنون باشد؛ هر چند در نگهداری آنان تقصیر نکرده باشد.

بخش دهم: مسئولیت ناشی از سپردن مال به محجورین

- می خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که اگر یکی مال خود را به محجوری بسپارد و آن محجور مال را تلف کند آیا شخص محجور یا ولی و سرپرست وی ملزم به جبران خسارت می باشند یا خیر؟ در این خصوص باید توجه داشت که: (م ۱۲۱۵ ق.م)
۱. بنا بر ماده ۱۲۱۵ ق.م هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر مُمَيِّز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسؤول نقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود. برخی از حقوقدانان از جمع مواد ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶ ق.م به این نتیجه رسیده اند که «ماده ۱۲۱۵ ق.م ناظر به تلفی است که ناشی از فعل صغیر غیر مُمَيِّز و مجنون نباشد در حالی که ماده ۱۲۱۶ ق.م مربوط به اتلاف و تسبیب است که مستند به فعل صغیر و مجنون باشد.» اما این نظر از چند حیث مردود است؛ زیرا:
- این تفسیر با ظاهر ماده ۱۲۱۵ ق.م مغایرت دارد.
- اگر منظور قانونگذار از ماده ۱۲۱۵ ق.م، همان بوده است که بیان کرده اند در این صورت اصلاً نیاز به درج این ماده و محصور کردن آن به صغیر غیر مُمَيِّز نبود؛ زیرا بدیهی است که اگر کسی مال خود را به شخص دیگری بسپارد و در نتیجه ید

متصرف مال به واسطه سپردن مال، غاصبانه نباشد و از طرف دیگر تلف نیز منتسب به فعل شخص متصرف نباشد، متصرف مزبور، مسؤول تلف نیست؛ حال چه صغیر ممیز یا مجنون باشد و چه نباشد؛ زیرا مالک، مال خود را به او سپرده است و در نتیجه، او غاصب نیست و تلف نیز انتسابی به او ندارد؛ بنابراین هیچ مبنایی برای مسؤولیت او باقی نمی‌ماند. بنابراین، این تفسیر موجب لغو شدن ماده مزبور می‌شود.

۲. با توجه به آنچه که بیان شد، باید دلیل ماده ۱۲۱۵ ق.م.را آن دانست که وقتی شخصی مالی را به صغیر غیر ممیز یا مجنون می‌سپارد و صغیر غیر ممیز یا مجنون مال او را تلف می‌کند شخصی که مال خود را به چنین شخصی سپرده سبب اقوی از مباشر است؛ بنابراین جبران این خسارت، مستنداً به ماده ۳۳۲ ق.م.بر عهده مباشر ضعیف‌تر (صغیر غیر ممیز یا مجنون) نیست و از مال مالک است.

۳. از مفهوم مخالف ماده ۱۲۱۵ ق.م. چنین بر می‌آید که اگر شخصی مال خود را به صغیر ممیز یا سفیه بسپارد و او آن مال را تلف کند یا به آن خسارت وارد کند تلف یا خسارت باید از مال صغیر ممیز یا سفیه جبران شود؛ زیرا در این حالت به دلیل برخورداری ایشان از قصد نمی‌توان سپارنده مال را سبب اقوی از مباشر دانست. بنابراین، در این حالت جبران خسارت بر عهده صغیر ممیز یا سفیه است مگر آن که ثابت شود که سپارنده مال (مالک مال) سبب اقوی از مباشر است.

۴. اگر شخصی که مال را به محجور داده است، به محجور دینی داشته باشد باید مال را به ولی یا قیم محجور تسلیم می‌کرد و تسلیم مال به محجور موجب برائت ذمه او نیست؛ مگر آن که محجور این مال را به ولی یا قیم خود تسلیم کند. (م ۲۷۴ ق.م.)

بخش یازدهم: مسؤولیت متصدی حمل و نقل

ماده ۵۱۶ قانون مدنی: «تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از این که از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگهداری اشیایی که به آن‌ها سپرده می‌شود همان است که برای امانت‌داران مقرر است بنابراین در صورت تفریط یا تعدی مسؤول تلف یا ضایع شدن اشیایی خواهند بود که برای حمل به آن‌ها داده می‌شود و این مسؤولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان خواهد بود.»

متصدی حمل و نقل در قانون مدنی، دارای ۲ تعهد است:

۱. تعهد اقدام به حمل، تعهد به نتیجه محسوب می‌شود؛ بنابراین در صورتی که متصدی تأخیر نماید مسؤول است، مگر این که قوه قاهره را اثبات نماید.

۲. تعهد به حفاظت و نگهداری از کالای معین، تعهد به وسیله محسوب می‌شود؛ و متصدی مسؤول تلف یا نقص یا عیب کالا نیست مگر این که تقصیر وی اثبات شود، اما مفاد تعهد متصدی حمل و نقل در قانون تجارت طبق ماده ذیل تعهد به «سالم» رساندن کالا به مقصد است؛ بنابراین اگر کالا دیر به مقصد برسد یا معیوب و ناقص به مقصد برسد، متصدی حمل و نقل مسؤول است مگر این که قوه قاهره را اثبات کند.

ماده ۳۸۶ قانون تجارت: «اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل، مسؤول قیمت آن خواهد بود مگر این که ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده و یا مُرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آن‌ها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیاده‌تر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.»

بدین ترتیب، متصدی حمل و نقل، مسؤول تلف و نقص کالا است، مگر این که ثابت کند، یا سبب تلف، تقصیر طرف قرارداد است که به زیان خود اقدام کرده یا علت خارجی و احترازناپذیری باعث آن بوده است. چنین علتی در حکم قوه قاهره و آفات ناگهانی است. به همین جهت، باید پذیرفت که اثبات نداشتن تقصیر به تنهایی سبب معاف شدن متصدی نمی‌شود و از همین امر چنین استنباط می‌شود که مسؤولیت او مبتنی بر تعهد ضمنی دایر بر سالم رسانیدن کالا به مقصد است.

ماده ۳۸۹ ق.ت علاوه بر حمل کالا، در حمل مسافر نیز اجرا می‌شود و متصدی، مسؤول خسارات ناشی از فوت یا صدمات بدنی است. (ر.ک کاتوزیان «مقدمه علم حقوق»، صص ۴۱۴-۴۱۶ و کاتوزیان «الزام‌های خارج از قرارداد، جلد دوم»، صص ۳۳-۳۷).

مبنای مسؤولیت متصدی در قانون مدنی، «تقصیر» و در قانون تجارت «فرض مسؤولیت (مسؤولیت بدون تقصیر)» است، اما قانون دریایی، مبنای سومی را اختیار نموده است که آن «اماره تقصیر» است؛ توضیح آن که مطابق قسمت اخیر بند ۱ از ماده ۵۵ قانون دریایی: «هرگاه فقدان و یا خسارت وارده، در نتیجه عدم قابلیت دریانوردی باشد متصدی باربری و یا اشخاص دیگری که به استناد این ماده ادعای معافیت از مسؤولیت می‌نمایند ملزمند که اعمال سعی و مراقبت را از ناحیه خود ثابت کنند.»؛ بنابراین بر خلاف قانون تجارت، در قانون دریایی، رهایی از مسؤولیت مستلزم اثبات قوه قاهره نیست، بلکه اثبات عدم تقصیر کافی است؛ البته قانون دریایی در خسارات بدنی قائل به تفکیک شده است؛ به این معنا که اگر فوت یا صدمات بدنی، ناشی از تصادم یا به گل نشستن یا انفجار یا حریق یا غرق شدن کشتی باشد فرض بر این است که حادثه بر اثر تقصیر و یا غفلت متصدی حمل و یا مأموران مجاز او اتفاق افتاده است، مگر آن که خلاف آن اثبات گردد. (اماره تقصیر) (بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی)؛ لیکن در سایر موارد، اصل بر عدم تقصیر است و مدعی باید تقصیر متصدی یا مأموران مجاز او را اثبات کند. (بند ۳ ماده ۱۱۳ قانون دریایی) (ر.ک کاتوزیان «مقدمه علم حقوق»، صفحه ۴۳۰)

با توجه به پذیرش کنوانسیون ورشو در نظام حقوقی ایران (اعم از پروازهای داخلی و خارجی)، متصدی حمل هوایی، مسؤول خسارات وارده است مگر این که قوه قاهره را اثبات نماید؛ بنابراین مبنای آن تفاوتی با قانون تجارت (م ۳۸۶) ندارد. در مواردی که قرارداد حمل، رایگان است، موضوع از شمول قرارداد اجاره قانون مدنی و همچنین قانون تجارت خارج است و مطابق قاعده کلی، حمل‌کننده (امین)، مسؤول تلف یا نقص نیست مگر تقصیر وی اثبات شود. (م ۶۳۱ ق.م) (ر.ک کاتوزیان «مقدمه علم حقوق»، ص ۴۱۸)

بخش دوازدهم: مسؤولیت مدنی پزشک

موضوع تعهد پزشک درمان بیمار نیست، مواظبت از او است تا درمان شود؛ به بیان دیگر، تعهد پزشک در زمره تعهدهای به وسیله است. در نتیجه، بهبود نیافتن بیمار نقض عهد (تقصیر قراردادی) نیست و این تقصیر، بر فرض که ریشه قراردادی داشته باشد، باید ثابت شود. سرانجام، انتقاد اندیشمندان سبب تغییر رویه قضایی شد و اکنون همگان بر این باورند که مسؤولیت پزشک ریشه قراردادی دارد. ولی، بیماری که نتیجه مطلوب خود را نگرفته و خسارت دیده است، باید تقصیر پزشک را ثابت کند. در این دادرسی رفتار پزشک با انسانی متعارف و آگاه از همان سنخ و شرایط درمان مقایسه و سنجیده می‌شود. پزشک نیز نمی‌تواند به عادات متداول پزشکی در برابر آن چه لازمه احتیاط است استناد کند.

در حقوق ما نیز این رابطه در شکل مرسوم خود قراردادی است؛ بیمار به میل خود پزشک را انتخاب می‌کند یا پزشکی که در بیمارستان به او توصیه می‌شود می‌پذیرد و پزشک با پذیرفتن بیمار درمان او را به عهده می‌گیرد.

منتها باید توجه داشت که امروز رابطه قراردادی بیشتر با شخصیت حقوقی بیمارستان و درمانگاه ایجاد می‌شود و پزشک به عنوان عضوی از آن شخصیت یا کارشناس به درمان می‌پردازد. شخصیت پزشک در هیچ حال بی‌اثر نمی‌شود؛ لیکن مسؤولیت شخص پزشک را باید طبق قواعد عمومی بررسی کرد، نه قرارداد با بیمارستان.

به نظر می‌رسد که باید خساراتی را که در نتیجه خدمات عمومی بیمارستان به بار می‌آید و تقصیر اداری محسوب می‌شود و پزشک در اجرای قواعد آن مأمور است، از درمان و مراقبتی که به طور مستقیم با پزشک ارتباط دارد، بازشناخت: مسؤول گروه نخست تنها بیمارستان است و گروه دوم به پزشک و گاه به پزشک و بیمارستان مربوط می‌شود، وانگهی، جز در موارد خاص، بیمار می‌تواند در صورتی که خطای پزشک هر دو چهره قراردادی و قهری را دارد، به هر کدام که مایل است استناد کند. گاه

نیز پزشک از درمان بیماری که به او پناه برده است، خودداری می‌کند مسؤولیت او چهره قهری دارد و به تخلف از قرارداد منسوب نمی‌شود. همچنین است در موردی که تصدیق خلاف واقع پزشک به ثالثی زیان برساند.

لزوم إذن بیمار و حفظ سلامت آن

جز در موارد اضطراری که امکان إذن گرفتن از بیمار امکان ندارد و دخالت پزشک را ضروری می‌سازد، هرگونه عمل جراحی یا درمان خودسرانه تجاوز به جان یا آزادی بیمار است و برای پزشک ایجاد مسؤولیت می‌کند. منتها این پرسش هنوز پاسخی درخور نیافته است که، اگر إذن بیمار در مسؤولیت پزشک اثر دارد و کار او را مباح می‌سازد، رضای بیمار در چه شرایطی نافذ است؟ و تا چه اندازه باید به بیمار درباره وضع او و خطرهای ناشی از درمان پیشنهادی پزشک آگاهی داد؟ آیا رضای بیمار به عمل جراحی خطرناکی که از چگونگی آن هیچ اطلاعی ندارد و نمی‌تواند خطر آن را خطر ناشی از ادامه بیماری مقایسه کند و تصمیم بگیرد ارزش حقوقی دارد یا اثر آن در مباح کردن دخالت پزشک منوط به دادن حداقلی از آگاهی‌های ضروری در حدود عرف و فهم او است؟ در این باره، بعضی إذن و گروهی به غفلت و خطای پزشکی متمایل شده‌اند.

نتیجه نظر نخست نامشروع بودن عمل جراحی و مجرم شناختن پزشک است. ولی نظر دوم به اعتدال نزدیک‌تر است: جراحی تجاوز به جسم و جان و ایراد جرح نیست، لیکن پزشک، مَقْصَر محسوب می‌شود و باید خسارت ناشی از غفلت را جبران کند. بی‌گمان، حقوقدانان نظر اخیر را تأیید می‌کند، که هم نفوذ اراده بیمار را تأمین کند و هم به سلامت او ضرر نزند. ولی، آنچه در پرده ابهام باقی می‌ماند این است که معیار کفایت این آگاهی‌ها چیست؟ عرف پزشکی یا آنچه حقوقدان برای نفوذ اراده کافی می‌داند؟ اهمیت سؤال در این است که اگر «عرف پزشکی» معیار باشد، شتاب و بی‌احتیاطی پزشکان در این گونه امور همیشه توجیه‌پذیر است و عاداتی ناپسند می‌تواند به صورت قاعده حقوقی در یکی از مهم‌ترین روابط انسانی و اجتماعی حکومت کند. پس، باید معیار نوعی از عرف پزشکان برگزید و آنچه را لازمه ایجاد علم اجمالی بیمار به سرنوشت خویش است حداقل آگاهی لازم برای نفوذ إذن او شمرد. برای مثال، إذن بیمار به «آنچه ضرورت دارد» احتمال دارد در شرایط ویژه‌ای تظاهر به گرفتن إذن تلقی شود. در هر حال، پزشک باید فایده و خطرهای درمان (به ویژه عمل جراحی) را به بیمار گوشزد کند، منتها به گونه‌ای که او را به هراس نیفکند و امکان تصمیم همراه با تدبیر را از او نگیرد. همچنین، در صورتی که وضع روانی بیمار به گونه‌ای است که نمی‌توان نتیجه تشخیص را به روشنی به او گفت، پزشک بایستی آن را پنهان دارد و به اشاره اعمالی به مریض اکتفا کند و حقیقت را به کسانی او یادآور شود.

نتیجه دیگری که از ضرورت آگاهی بیمار گرفته می‌شود، بی‌اثر بودن إذن کودکان پیش از رسیدن به سن بلوغ و محجورانی است که قدرت تشخیص هدف و چگونگی درمان را ندارند. در چنین موردی، رضای پدر و مادر یا قیم کودک می‌تواند جانشین إذن او شود و عمل جراحی را مباح سازد. تصمیم ولی یا قیم، در صورتی اعتبار دارد که به سود و مصلحت محجور باشد و نباید برای آنان حقی مطلق نسبت به خودداری از درمان قائل شد.

بنابراین، در موارد ضروری که بی‌گمان جان محجور در خطر است و امتناع پدر و مادر جهت معقولی ندارد، پزشک می‌تواند با اجازه دادگاه یا در صورت اضطرار و عدم دسترسی و فوریت، با تشخیص خود، اقدام لازم را برای نجات جان او انجام دهد. تشخیص نامعقول بودن امتناع پدر و مادر و إذن به اقدام پزشک با دادگاه است، و در صورتی که پدر و مادر در دسترس پزشک نباشند، او می‌تواند به حکم اضطرار اقدام کند.

در صورتی که إذن بیمار مقید به عمل جراحی به وسیله پزشک معین با شیوه و حد ویژه‌ای باشد، تجاوز از آن، خطا و ضمان آور است. اثبات این قید إذن، در صورت اختلاف، با بیمار است و دادگاه می‌تواند، با توجه به تمام شرایط و اوضاع و احوال مورد در این باره تصمیم بگیرد. إذن بیمار مسؤولیت پزشک را به طور کامل از بین نمی‌برد.

پزشک حق ندارد به درمان یا عمل جراحی بپردازد که برای بیمار بی‌فایده یا مضر است و إذن بیمار در این زمینه مسؤولیت مدنی او را از بین نمی‌برد، حتی اگر عمل مفید برای تحقیقات پزشکی باشد.

اثر إذن بیمار در جراحی زیبایی و ترمیمی

آنچه به عنوان جراحی زیبایی شهرت یافته و در برابر جراحی‌های درمانی عادی قرار گرفته است، بی‌گمان تنها با اِذن بیمار مشروع می‌شود. ولی، از جهت میزان نفوذ و اثر اِذن بیمار، باید آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. جراحی‌های ضروری یا ترمیمی، که به منظور برطرف ساختن نقص عضو و آمادگی جسمانی و روحی بیمار برای ادامهٔ شغل یا زندگی عادی ضرورت دارد، و در عین حال، به زیبایی ظاهری او کمک می‌کند: مانند جراحی‌های پلاستیک مجروحی که در اثر حادثه سلامت عضوی را از دست داده است یا چنان کریه شده است که زندگی اجتماعی او دشوار یا ناممکن شده است. این گونه جراحی‌ها که در عرف ضروری تلقی می‌شود، تابع قواعد عمومی است و مسؤولیت جراح ویژگی قابل ملاحظه‌ای ندارد.

۲. اعمال جراحی که تنها به دلیل هوس و تجمّل‌پرستی درخواست می‌شود و هیچ ضرورتی از نظر پزشکی و اجتماعی ندارد: مانند جراحی پلاستیک بینی که عضو معیّب پزشکی محسوب نمی‌شود و تنها به نظر صاحب آن اندکی بزرگ آمده است یا مودی که او می‌خواسته است شبیه هنرپیشهٔ محبوب خود شود و از پزشک می‌خواهد که بینی او را به شکل دل‌خواه بپاراید.

عرف کنونی این گونه جراحی‌ها را نامشروع نمی‌بیند، ولی مسؤولیت پزشک در چنین حالتی سنگین‌تر از جراحی عادی است. زیرا، عامل «ضرورت» استقبال از بسیاری خطرها را مباح می‌کند و عقل سلیم از دیرباز چنین اعمالی را که لازمهٔ پیشرفت و سلامت است تجویز می‌کند. ولی، هوس‌بازی و تفتن قدرت «ضرورت» را ندارد. به همین جهت، بعضی که تعهد پزشک را در درمان بیمار تعهد به مواظبت می‌دانند، تعهد پزشک در جراحی پلاستیک غیرضروری را تعهد به نتیجه شمرده‌اند و پزشک را ضامن هر نقص عضو یا مرگ بیمار می‌دانند. بعضی نیز دست بالا را گرفته‌اند و از نظر فلسفی به انسان اجازه نمی‌دهند که در کار خالق دخالت کند و ظاهر آن‌چه آفریده شده تغییر دهد.

به عنوان قاعده، باید پذیرفت که پزشک باید عمل جراحی که زیانش بیش از فایدهٔ آن است خودداری کند و ارزیابی این سود و زیان در مورد هر موضوع بایستی جداگانه و بر مبنای تمام اوضاع و احوال و عرف انجام شود.

معیار تقصیر پزشک

در بحث مربوط به تقصیر پزشک رفتار انسانی عادی و متعارف نیست؛ رفتار پزشکی آگاه و محتاط است. اکنون می‌افزاییم که طبع کار پزشکی ایجاب می‌کند که آزادی بیشتری به رشد ابتکارهای این هنرور اختصاص داده شود. با وجود این، پزشک نمی‌تواند نظریه‌ای را که تاکنون تجربه نشده است، در درمان خود به کار گیرد و بیمار را دچار خطر کند. ولی، انتخاب یکی از روش‌های مرسوم که در مورد زیان دیده نتیجهٔ مطلوبی نداده است، نباید تقصیر شمرده شود.

مسؤولیت گروهی

درمان پاره‌ای از بیماری‌ها، به ویژه در مورد اعمال جراحی، با گروهی از پزشکان متخصص انجام می‌شود. در جراحی‌ها، جراح اصلی نه تنها خود به درمان و عمل می‌پردازد، دیگران را نیز هدایت و رهبری می‌کند: دستیاران و پرستاران به دستور او به منظور کمک به عمل اصلی اقدام می‌کنند. بیمار نیز به‌طور معمول تنها او را می‌شناسد و قرارداد درمان را با او می‌بندد. بنابراین؛ ۱- تنها جراح در برابر بیمار مسؤول قراردادی است و به عنوان آمر مسؤول کار دستیاران خود نیز هست ۲- مسؤولیت دیگران تابع قواعد عمومی و حرفه‌ای آنان است و ریشهٔ قراردادی ندارد.

ولی، پس از پایان عملیات و انحلال گروهی که به آن می‌پردازند، سلطهٔ جراح و هدایت و نظارت او نیز پایان می‌پذیرد و از این پس مسؤولیت او در صورتی است که تقصیری به شخص او نسبت داده شود: مانند فرضی که معلوم شود خسارت در اثر دستور نابخشودنی ایجاد شده است که جراح داده است.

حقوق کنونی

مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در بخش موجبات ضمان، پزشک را مسؤول زیان‌های ناشی از درمان می‌کند، هر چند حاذق و مأذون باشد، ولی اِبراء بیمار یا ولی او پیش از درمان این مسؤولیت را از بین می‌برد.

ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل، برای وی ضمان وجود ندارد؛ هرچند برائت اخذ نکرده باشد.
تبصره ۲- ولی بیمار، اعم از ولی خاص است، مانند پدر، و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید.»

ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی: «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید.

تبصره ۱- در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار **بداند** که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و باوجوداین به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

تبصره ۲- در قطع عضو یا جراحات ایجادشده در معالجات پزشکی، طبق ماده ۴۹۵ این قانون عمل می‌شود.»
احکام این مواد را که استثنا بر قواعد عمومی است، باید تفسیر محدود کرد به گونه‌ای که مانع ابتکار پزشکان در اجرای فنون علم پزشکی نشود و با ضرورت‌های زیان همگام شود.

طبق این ماده هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد، موجب تلف یا صدمه بدنی گردد ضامن دیه است مگر آن که:

۱. عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد.
 ۲. قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود.
- چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.
 - در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هرچند برائت اخذ نکرده باشد.
 - ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید.
 - در مورد ضرورت که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

إحراز رابطة علیت

گفته شد که، ضمان پزشک درباره بیمار، مشروط بر این است که زیان واردشده به او منسوب شود نه علت خارجی که در اختیار پزشک نیست. در راستای اجرای همین قاعده، وصف استثنایی بودن حکم ضمان مؤثر واقع می‌شود: به عنوان مثال، در مواردی که اثبات رعایت احتیاط‌های لازم و اجرای قواعد فنی پزشکی رابطه علیت بین فعل پزشک و ورود ضرر را قطع می‌سازد و آن را به طبیعت بیمار یا نقص علم منسوب می‌کند، از قلمرو این ضمان خارج است. به بیان دیگر، گاه پزشک مباشر ورود ضرری است که سبب قوی‌تر آن علم پزشکی است و طبق قاعده باید ضرر به سبب اقوی نسبت داده شود و مباشر از مسؤولیت در امان بماند.

اگر رویه قضایی بتواند به برائت پزشکی که رعایت همه احتیاط‌های لازم را کرده و فنی را که علم در اختیار او نهاده به کار برده است، از راه تردید در وجود رابطه علیت بین فعل پزشک و ورود ضرر، حکم کند، در نزدیک ساختن حکم قانون به عدالت و

ضرورت‌های زندگی اجتماعی در این زمینه کمک شایانی کرده است و باید از آن دریغ نکند. زیرا، آنچه را که پزشک به دستور تجربه و دانش متعارف کنونی و با احتیاط انجام می‌دهد در واقع منسوب به اراده او نیست؛ اجرای تکلیف حرفه‌ای است. به بیان دیگر، انجام دادن وظیفه با ضمان جمع نمی‌شود و معقول به نظر نمی‌رسد که از یک سو پزشک مکلف به کاری باشد که احتمال ضرر کم و بیش در آن هست و از سوی دیگر ضمان چنین اقدامی بر دوش او قرار گیرد. مسؤولیت پزشک مانند آن است که مأمور اجرای قانون یا حکم دادگاه ضامن نتایج ناگوار آن شود. پزشک نیز مأمور اجرای قوانین و اخلاق و عرف پزشکی است و آنچه در این زمینه می‌کند به سببی قوی‌تر منسوب است و برای مباشر ضمانی ندارد. همچنین، در فرضی که ثابت شود علت ورود ضرر امری خارج از توان و پیش‌بینی متعارف پزشکان بوده است، برای خواننده دعوی در حکم قوه قاهره است و پزشک محتاط و بی‌گناه را ضامن نمی‌سازد.

ضرورت‌های پزشکی

در فرضی که ادامه بیماری خطر مرگ یا فلج شدن را به ظن قوی به دنبال دارد، پزشک را نمی‌توان به دلیل برطرف نکردن همان خطر مسؤول زیان شمرد: برای مثال، اگر کسی به بیماری سرطان مبتلا باشد، که مرگ او در صورت خودداری از عمل جراحی حتمی است، و جراحی او را عمل کند و بمیرد، پزشک را نباید ضامن دین جان بیمار دانست. پزشک محتاط هیچ احتمالی را برای نجات جان بیمار از دست نمی‌دهد، و در این فرض، رابطه علیت میان اقدام پزشک و مرگ بیمار وجود ندارد. منتها، تکلیف پزشک در چنین فرضی این است که به عمل بیهوده دست نزند و درجه احتمال توفیق در عمل را به بیمار اطلاع دهد تا او به انتخاب بپردازد. خودداری از اجرای این تکلیف می‌تواند سبب مسؤولیت او درباره هزینه‌های بیهوده و ضحری که بیمار ناآگاه تحمل کرده است بشود.

در صورتی که اذن بیمار شامل قطع دست و پا یا عضو دیگری باشد که به تشخیص پزشک برای احتراز از ضرری مهم‌تر ضروری است، مسؤولیت پزشک منوط به اثبات تقصیر او در تشخیص یا اجرای نادرست عمل جراحی است و نمی‌توان او را، بدین بهانه که تحصیل برائت نکرده است، ضامن خسارت قطع عضو شمرد. زیرا، در این فرض، اذن به درمان حاوی اذن به إتلاف نیز هست. منتها، چون رضای بیمار به اعتماد تشخیص پزشک و کاردانی او داده شده است، کاهلی و بی‌مبالاتی و سوءاستفاده از این اعتماد سبب مسؤولیت می‌شود.

همچنین است در موارد اضطراری که اذن گرفتن از بیمار یا کسان او امکان ندارد و تأخیر در عمل خطر مرگ، بیمار را تهدید می‌کند و پزشک ناچار می‌شود که خود به اقدام مناسب دست زند و عضوی را قطع کند.

درمان نکردن عضو ناقص و تلف شده

ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی شامل موردی است که پزشک به مباشرت یا در اجرای دستورهایی که می‌دهد عضو سالمی را تلف یا ناقص کند. ولی، در موردی که نتواند عضو تلف یا ناقص شده را به حال طبیعی درآورد، در صورتی ضامن است که درمان شایسته نکرده باشد و ثابت شود که نظام علمی و عرفی را رعایت نکرده و خطاکار است: به بیان دیگر، در فرض روبه‌برو شدن با عضو ناقص یا تلف‌شده، تعهد پزشک ناظر به مواظبت و درمان است. پس، اگر آن عضو به صورت پیشین باقی بماند، در صورتی مسؤولیت دارد که ثابت شود امکان درمان در اثر خطای پزشک از بیمار گرفته شده است یا خطر شدت یافته یا به وجود آمده است. زیرا إتلافی رُخ نداده و بنابراین فرض پزشک تنها در صورت اخیر سبب تلف می‌شود.

توصیه پزشکی:

قدرمُتیقن از ضمان موضوع ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی فرضی است که پزشک مباشر درمان است (مانند جراح) یا به استناد ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی دستور آن را صادر می‌کند. ولی، در موردی که پزشک با ظن به مفید بودن دارویی آن را توصیه می‌کند (مانند این که بگوید: گمان می‌کنم این دارو برای بیماری شما مفید باشد یا اگر به جای شما بودم چنین می‌کردم) و بیمار خود به انتخاب دست می‌زند و به دلیل اعتماد به پزشک را محل توصیه‌شده را به کار می‌بندد، پذیرفتن آن دشوار و خلاف اصل است. همچنین است جایی که پزشک از درمان قطعی بازمانده و خطر مرگ بیمار او را به توصیه دارویی

که گمان می‌برد مفید است تشویق و وادار می‌سازد. و در فرض دیگری به استناد تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.ا: «هرگاه مریض بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و باوجوداین به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض ... است.»

امکان تحصیل براءت

طبق قسمتی از ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد....»

پزشک می‌تواند با تحصیل براءت از همه ضامن‌ها برهد و عهده‌دار خسارت نشود، شرطی که تحمیل آن بر بیمار مضطر ساده است. پس رویه قضایی در این حکم باید از بیمار بی‌پناه که نیاز به خدمت پزشکی دارد حمایت کند و مانع از آن شود که پزشک در بی‌مبالاتی خود را آزاد ببیند. اگر تحمیل مسؤولیت مطلق بر پزشک به دلیل گرفتن قدرت ابتکار از او زیان‌بار باشد، آزاد گذاردن او در ارتکاب هر بی‌احتیاطی و تقصیر نیز ناروا و ناپسند است و زیان اجتماعی و انسانی آن دو چندان. برای برقراری اعتدال میان منافع پزشک و بیمار، این حکم نیز باید تفسیر محدود شود. در نتیجه باید پذیرفت که:

۱. رضای بیمار در پذیرش شرط براءت در صورتی نافذ است که آگاهی لازم درباره پیامدهای درمان یا جراحی به بیمار داده شده باشد و او بتواند با آگاهی و اختیار خطر را بپذیرد و موضوع براءت باید روشن و معین باشد و بیمار بداند که موضوع إذن و انشای او چیست؟

همچنین، هرگونه تدلیس و تقلب و سوءاستفاده از اعتماد بیمار اثر شرط را از بین می‌برد.

۲. شرط براءت در این زمینه نوعی شرط عدم مسؤولیت است. پس، دربارهٔ اضرار عمدی یا آنچه در حکم عمد است (مانند جاگذاردن چاقو در شکم بیمار یا عمل جراحی در حال مستی) برخلاف نظم عمومی و بی‌اثر است. هیچ‌کس و از جمله پزشک نمی‌تواند در قرارداد خود با دیگران جواز اضرار به عمد یا ارتکاب هرگونه بی‌مبالاتی را به دست آورد و آسوده خیال از تحمیل مسؤولیت به دلخواه رفتار کند. اخلاق و نظم عمومی چنین امتیازی را تحمیل نمی‌کند. «م ۹۷۵ ق.م»

در بنای دو طرف نیز شرط براءت ناظر بر ضررهای ناخواسته و پیش‌بینی شده و ارتکاب خطاهایی است که هر پزشک متعارف و با احتیاط ممکن است در تشخیص بیماری و اجرای قوانین پزشکی مرتکب شود. هیچ انسان عاقلی چاقوی جراحی با جواز ارتکاب هر خطایی را هم به دست پزشک نمی‌دهد و برای گفتهٔ خود حد و مرزی می‌گذارد. این مرز، در صورتی که مجمل و نگفته بماند، حمل بر داوری عرف دربارهٔ خطای قابل اغماض می‌شود و خطاهای سنگین و عمدی را دربرنمی‌گیرد.

۳. تحصیل براءت تنها برای اعمالی مؤثر است که برای او مفید است و به همین هدف انجام می‌شود. پزشک نمی‌تواند برای اعمال غیر مفید یا خطرناک از بیمار رضایت بگیرد، هر چند که به منظور پیشرفت تحقیقات علمی باشد.

نتیجه:

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست آمد که، در حقوق ما مسؤولیت پزشک ناشی از تضمین سلامت بیمار نیست. دست کم باید رابطهٔ میان فعل پزشک و اضرار شود تا بتوان او را مسؤول شناخت. از سوی دیگر، اگر اثبات شود که پزشک عمل جراحی قوانین پزشکی بر مبنای وظیفهٔ شغلی خود بوده است، نباید او را ضامن پیامدهای احتمالی درمان دانست. پس، بحث دربارهٔ معیار مواظبت لازم برای معاف شدن پزشک به گونه‌ای خاص مطرح می‌شود: بدین ترتیب، که پزشک ضامن خسارات است، مگر این که ثابت شود آن چه به بار آمده نتیجهٔ نقص علم است نه اجرای نادرست آن چه به پزشک مربوط می‌شود. معیار براءت پزشک در زمینهٔ اجرای درست قواعد علم پزشکی، اجرای فنون شایع و متعارف آن است: یعنی کار پزشکی متعارف و محتاط در شرایطی که درمان یا عمل جراحی انجام شده است و از او نمی‌توان انتظار داشت که بهترین شیوه ممکن در جهان علم را به کار برد. حتی می‌توان گفت، از هر پزشک به تناسب تخصص و سنخ کارایی که عرف از او انتظار دارد باید انتظار داشت و بر

پزشک عمومی نمی‌توان خُرده گرفت که شیوه متخصصان را نمی‌داند. به بیان دیگر، پیروی از شیوه درمان محلی و متداول نزد پزشکان، او را از مسؤولیت می‌رهاند و حتی پیروی از شیوه چند پزشک حاذق و ماهر و مشهور کافی است. اثر مهم شرط بَرأت در درمان این است که پزشک را از ضَمان مفروض در قانون مُعاف می‌کند و در صورتی مسؤول قرار می‌گیرد که زیان دیده بتواند تقصیر نامتعارف و غیرقابل اِغماض پزشک را در اِعمال قواعد اِثبات کند. پس، به اِختصار باید گفت: نه مسؤولیت پزشکی که به اِذن بیمار به درمان او پرداخته است مطلق است و نه شرط بَرأت یکسره از اِوَرِغ مسؤولیت می‌کند. تفاوت مهم در فرض این است که در موارد عادی نتیجه نامطلوب درمان به عهده پزشک است، مگر اِثبات شود که به فعل او اِرتباط ندارد. ولی، در فرض دوم، اُماره قانونی انتساب تلف به فعل پزشک از اثر می‌افتد و بیمار باید آن را به بی‌مبالاتی پزشک نسبت دهد.

بخش سیزدهم: مسؤولیت مدنی پرستار

ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی: «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید. تبصره ۱ - در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و باوجوداین به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.» بررسی تبصره فوق‌الذکر نشان می‌دهد که می‌توان دو حکم از آن مستفاد نمود. در حکم اول مریض و در حکم دوم پرستار مسؤول صدمه و تلف ناشی از اجرای دستور اشتباه پزشک است در صورتی که از آن اشتباه آگاهی داشته باشند. البته حکم اول که در مورد بیمار است بر حسب قاعده اقدام بدون نیاز به شرح و بسط بیشتر پذیرفتنی است. طبق قاعده اقدام اگر کسی با علم و قصد و رضا ضرر یا ضمانی را بپذیرد کسی به نفع او مسؤولیتی ندارد. ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی این قاعده را این‌گونه بیان می‌کند. ماده ۵۳۷: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضمان ثابت نیست.» حکم دوم این ماده که پرستار آگاه به دستور اشتباه پزشک را ضامن دانسته است محل بحث می‌باشد قانون‌گذار در بیان این تبصره بر حسب قواعد و اصول کیفری و قول فقهای مشهور مبنی بر ضامن دانستن مباشر در صورت اجتماع سبب و مباشر، عمل کرده است چراکه پرستار را به عنوان پرستاری که با آگاهی دستور اشتباه را به انجام رسانده است مسؤول و ضامن دانسته است و به عبارتی اماره قصد را در این مورد فرض کرده است. پیش‌ازاین قانون، پرستاران دستورات درمانی پزشکان را اجرا کرده و حداقل این بود که تکلیف برای عدم اجرای دستور اشتباه پزشک پس از یادآوری و اصرار پزشک بر انجام آن را نداشته‌اند، اما تبصره ۱ ماده ۴۹۶ این مسؤولیت را برای آنان مقرر داشته است.

بخش چهاردهم: مسؤولیت ناشی از خرابی بنا

ماده ۳۳۳ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسؤول خسارتی است که از خراب‌شدن آن وارد می‌شود، مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مُطَّلِع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.»

برای این که زیان دیده بتواند از مالک خسارت بگیرد باید ثابت کند خراب‌شدن بنا سبب ورود ضرر بوده و این خرابی ناشی از عیبی است که: ۱ - یا مالک مُطَّلِع از آن بوده است؛ ۲ - یا از عدم مواظبت او تولید شده است. این هر دو فرض مفهومی جز تقصیر مالک ندارد. زیرا، انسان مُتَعَارَف و مَعْقُول ساختمان خود را با چنین عیبی رها نمی‌سازد و مواظبت لازم را انجام می‌دهد. پس، اگر مالک خانه‌ای را که مورثانه در آن رخنه کرده است رها سازد، مسؤول خسارتی است که از خراب‌شدن آن به دیگران

وارد می‌شود. همچنین در موردی که از حمله موریه‌ها آگاه نیست، ولی خانه را چنان بی‌سرپرست رها کرده که در معرض این آسیب قرار گرفته است.

در حقوق ما اصل این است که هرکس مسؤول خطاهای خود باشد (ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی). تجاوز از این اصل به تصریح قانون‌گذار نیاز دارد و به اتکای استحسان نمی‌توان برای کسی مسؤولیت تقصیر قائل شد یا برای اثبات تقصیر اماره قانونی ایجاد کرد. با وجود این، در بسیاری از موارد ظاهر این است که مالک از عیب بنای خویش آگاه است و این ظهور می‌تواند مستند اماره قضایی شود و زیان‌دیده را اثبات تقصیر معاف کند.

هر تأسیس صنعتی دیگری که بر روی زمین نصب شود و هر تغییری که زمین را خطرناک کند (مانند کندن چاه) از حیث مسؤولیت مالک در حکم بنا است.

خسارت ناشی از خرابی دیوار

قانون مجازات اسلامی (بخش موجبات ضمان) ضمان ناشی از خرابی دیوار را در ۳ فرض مطرح کرده است:

۱. ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است إحداث نماید، لکن به علت حوادث پیش‌بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود إحداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط می‌کند، لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد، ضامن نیست.»

در این فرض، هیچ تقصیری به مالک دیوار نسبت داده نمی‌شود. هرگاه دیوار ساخته شده در دید عرف احتمال سقوط آن یا آسیب رساندن به دیگری نمی‌رفته است؛ آن چه رُخ داده ناشی از عامل خارجی و اتفاقی باشد (قوة قاهره) و ضرری که به بار آمده غیر قابل پیش‌بینی باشد، شخص ضامن نیست.

۲. ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایه استوار و غیر متمایل إحداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد، اگر قبل از آن که مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضمان منتفی است؛ مشروط به آن که به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه‌سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل‌انگاری نماید، ضامن است.»

در این فرض ساختن دیوار همراه با تقصیر و عدوان نیست. ولی، چون احتراز از ایجاد خطر برای دیگران یک تکلیف اجتماعی است، نادیده گرفتن آن ایجاد مسؤولیت می‌کند. مالکی که از تمایل دیوار و احتمال سقوط آن آگاه می‌شود و در جلوگیری از این خطر إهمال می‌کند مُقَصِّر است. باید توجه داشت که برای تحقق تقصیر آگاه شدن از خطر کافی نیست؛ باید مالک از امکان دفع خطر استفاده نکند و آگاهی نیز یکی از شرایط به وجود آمدن این امکان است. منتها، چنانکه گفته شد، تقصیر در حقوق مفهومی اجتماعی و نوعی است و ارکان تشکیل‌دهنده آن نیز باید به همین‌گونه ارزیابی شود. پس، مقصود از «تمکن اصلاح» این است که انسانی مُتعارف در آن شرایط توان اصلاح وضع و احتراز از خطر را داشته باشد.

زبونی‌ها و کاستی‌های شخص مالک نباید دلیل مُعاف شدن او از جبران خسارت محسوب شود: برای مثال، نمی‌توان گفت، چون مالک دیوار یا بنا هزینه دفع ضرر از همسایه را نداشته است، مسؤول جبران خسارت نیست.

۳. ماده ۵۲۰ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او مُتمایل به سقوط نماید، عهده‌دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است.»

در این فرض، رابطه علیت میان فعل صاحب دیوار و ورود خسارت وجود ندارد و به همین جهت از خرابی دیوار مسؤولیتی متوجه او نیست و برعکس خود او به عنوان مدعی و زیان‌دیده می‌تواند به سبب انحراف دیوار اقامه دعوا کند و خسارت بگیرد. در واقع، این فرض را نباید در شمار مسؤولیت‌های ناشی از خرابی بنا آورد، زیرا وضع بنا و چگونگی حفاظت از آن

سبب ورود خسارت نیست؛ سبب، عامل خارجی است که دیوار را مایل به سقوط کرده است. او است که زمینه منتهی به اضرار را فراهم آورده است و باید ضامن نتیجه قرار گیرد.

نکته‌ای که باید افزود این است که، اگر مالک از انحراف دیوار آگاه شود و به اصلاح آن اعتنا نکند، به این عذر که سبب خرابی را دیگری فراهم کرده است، از ضمان ناشی از خرابی دیوار مصون نمی‌ماند. زیرا، کاهلی در احتراز از خطر نیز برای مالک، تقصیری ضمان آور است، چنانکه در فرض دوم نیز همین بی‌مبالاتی مبنای مسئولیت است، با این تفاوت که در فرض ما عامل انحراف و سقوط دیوار شخص معین است. از مفاد ماده ۳۳۳ ق.م.هم تقصیر «کوتاهی در احتراز از خطر خارجی» به خوبی استنباط می‌شود، چرا که آگاهی مالک از عیب سبب خرابی برای ضمان او کافی است. پس، باید گفت در این فرض ضرر به بار آمده دو سبب دارد: **۱- عامل انحراف دیوار ۲- مالک آگاه که در احتراز از خطر کوتاهی کرده است.**

کوتاهی مالک (سبب نزدیک) نه چندان قوی است که رابطه میان عامل نخست و اضرار را قطع کند و نه چندان بی‌اهمیت که بتوان به مسامحه از آن گذشت و همه مسئولیت را به دوش عامل انحراف نهاد. در نتیجه، ضمان اشتراکی هر دو سبب راه حل عادلانه است. زیان دیده می‌تواند خسارت را از هر دو بگیرد و آن گاه در مقام توزیع مسئولیت سهم هر کدام نیمی از خسارت است.

بخش پانزدهم: مسئولیت ناشی از آتش سوزی

در مسئولیت قراردادی همه پذیرفته‌اند که عهدشکن مسؤول زیان‌های پیش‌بینی نشده تخلف خود نیست، ولی در مسئولیت قهری این تردید وجود دارد که آیا شخص را باید مسؤول تمام پیامدهای کار ناروای او شمرد یا قلمروی این ضمان نیز باید محدود به خطرهایی شود که انسانی متعارف می‌تواند آن را پیش‌بینی کند. ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی پاسخ این سؤال را در خطای آتش‌افروزی چنین می‌دهد: «هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند، لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد، ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت، ضامن است.»

فرض مسأله ناظر به موردی است که:

۱. محل آتش‌افروختن ملک شخص باشد و از این جهت نتوان خطایی را به مرتکب نسبت داد؛
۲. سرایت آتش را انسانی متعارف بر مبنای سیر طبیعی امور پیش‌بینی نکند.
۳. نه تنها آتش‌افروز قصد اضرار به دیگران را ندارد، بلکه مطمئن است که خطری ایجاد نمی‌کند؛
۴. حادثه‌ای اتفاقی سبب سرایت آتش شود.

إحراز این ۴ شرط برای برائت مالک کافی است، هرچند که مقدار آتش زیادتر از میزان نیاز باشد. درباره شرط چهارم، باید افزود که مقصود از «اتفاق» این است که سرایت آتش را نتوان به بی‌مبالاتی و عدم مواظبت مالک منسوب کرد. زیرا، همین اندازه که سرایت ناشی از تقصیر او باشد، برای تحقق تسبیب کافی است: انسانی متعارف از آتشی که افروخته مواظبت می‌کند تا این وسیله خطرناک به دیگران آسیب نرساند و إهمال در اجرای این تکلیف تقصیر سبب و ضمان است.

بخش شانزدهم: مسئولیت ناشی از تجاوز به معبر عموم

مسئولیت در برابر عموم و در برابر اشخاص

۱. مسئولیت در برابر عموم، که ذی‌نفع و مدعی اصلی آن شهرداری است و به وسیله وضع قوانین و ایجاد جرم و آیین‌نامه‌های دولتی، متجاوز مجازات می‌شود.

۲. مسؤولیتی که متجاوز به معبر عموم در برابر شخص زیان دیده پیدا می کند و در واقع مسؤولیت در برابر شخص معین به مناسبت تجاوز به معبر عموم است.

گروه نخست در قلمرو حقوق عمومی است و حاکمیت دولت در آن نقش اساسی دارد، ولی مسؤولیت نوع دوم تابع قواعد عمومی مسؤولیت مدنی است که قانون مجازات اسلامی در بخش موجبات ضمان به آن می پردازد.

چاه کندن در معبر عموم:

ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری، بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است، مگر این که فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.»

ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده ۵۰۷ این قانون را در ملک خویش یا ملکی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست، مگر این که شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن، جنایتی به وی وارد گردد.

تبصره ۱: هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست، مگر این که صدمه یا تلف به علت اغوا، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.

تبصره ۲: هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده ۵۰۷ این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است، مگر این که بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت، مرتکب ضامن نیست؛ مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند، لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.»

از مفاد این مواد معلوم می شود که عُدوان و تجاوز شرط ایجاد مسؤولیت است، زیرا رابطه عرفی میان فعل مرتکب و ورود ضرر تنها با این شرط (عُدوان و تجاوز) تحقق می یابد؛ کندن چاه در محل مباح برای رهگذر قابل پیش بینی است و هیچ کس وظیفه ندارد که سلامت دیگران را، حتی در فرضی که برای خود آنان امکان دارد، تضمین کند. با وجود این، جایی که عرف دادن آگاهی و اخطار را ضروری می بیند (مانند دعوت نابینا به خانه ای که در آن چاه است)، خودداری از آن تقصیر است و ضمان آور.

توقف نابجا و اِشغال معبر:

ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی در محل هایی که توقف در آن ها مجاز نیست، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل ها مستقر سازد یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارات می باشد، مگر آن که عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت، نه فقط خسارت به او تعلّق نمی گیرد، بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می شود.»

ماده ۵۱۱ ق.م.ا صورت عکس ماده ۵۱۲ ق.م.ا (توقف مجاز) را بیان می کند.

ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی: «کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آن مجاز است توقف کند یا وسیله نقلیه خود یا هر شیء مجاز دیگری در آنجا قرار دهد و شخص با آن ها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند، ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود، برخوردکننده ضامن است.»

۱. در موردی که چند عامل سبب ورود ضرر می شود، ضامن بر عهده کسی است که مرتکب تقصیر شده و به نظام عهده ای یا اجتماعی تجاوز کرده است و دیگران که کار مباحشان زمینه اضرار را فراهم کرده است مسؤولیتی ندارند، به بیان دیگر؛ در اجتماع اسباب، آن که تقصیر دارد سبب است و دیگران در حکم شرط تأثیر سبب هستند.

۲. در فرضی که در اجتماع اسباب تقصیری وجود ندارد ولی یکی از دو سبب ساکن و ثابت و دیگری فعال و پرتحرک است، عرف عامل فعال را سبب و دیگری را زمینه‌ساز تأثیر آن می‌بیند. برای مثال، اگر وسیله نقلیه‌ای در محل مجاز متوقف باشد و وسیله‌ای در حال حرکت با آن برخورد کند و خسارتی به بار آید، مسؤولیت بر عهده وسیله در حال حرکت است و دیگری را باید سبب دور یا شرط تأثیر سبب شمرد.

۳. در اجتماع دو سبب که یکی مرتکب تقصیر غیر عمد شده و دیگری به عمد درضرار شرکت کرده است، سبب اصلی و مسؤول مُقَصِّر عامد است و دیگری سبب دور یا شرط تأثیر سبب محسوب می‌شود، خواه زیان دیده همان مُقَصِّر عامد باشد یا دیگری. پس، اگر شخصی به قصد خودکشی به مسیر سوارکاری که در محل غیرمجاز در حال حرکت است بپرد و زیان ببیند، سوارکار خطا کار مسؤولیتی ندارد. همچنین است اگر کسی مال دیگری را به قصد تخریب به بزرگراه افکند یا شخصی را به چاهی که دیگری به خطا کنده است بیندازد.

بخش هفدهم: مسؤولیت ناشی از مالکیت یا حفاظت از حیوان

مسؤولیت ناشی از تقصیر:

الف - حکم ماده ۳۳۴ قانون مدنی

ماده ۳۳۴ قانون مدنی یکی دیگر از مسؤولیت‌های ناشی از تقصیر را بدین گونه پیش‌بینی می‌کند: «مالک یا مُتَصَرِّف حیوان مسؤول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود، مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد، لیکن در هر حال، اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد، فاعل آن عمل مسؤول خسارات وارده خواهد بود.»

در این ماده به صراحت گفته نشده است که زیان دیده باید وجود تقصیر را اثبات کند یا مالک مواظبت و حفاظت متعارف را. ولی، چون مطابق قاعده، اثبات تقصیر بر عهده مدعی است، زیان دیده بار اثبات بر عهده زیان دیده است و لحن حکم نیز این نتیجه را به خوبی می‌رساند. ولی، ماده ۵۲۲ ق.م.ا به گونه‌ای تنظیم شده که تکلیف حفاظت را بر عهده مالک می‌نهد و احتمال دارد بر مبنای آن رویه قضایی از مالک بخواهد که اجرای این تکلیف را اثبات کند. با این وجود، جمع دو حکم این احتمال را ضعیف و تجاوز از قاعده عمومی اثبات تقصیر را دشوار می‌سازد.

مفاد ماده ناظر به صورتی است که نگاهداری حیوان بر خلاف متعارف یا نظامات دولتی نباشد. برای مثال، نگاهداری سگ و گربه یا بعضی از پرندگان در خانه‌های مسکونی یا پرورش زنبور عسل در مزارع و باغ‌های بزرگ با قوانین و عرف تعارض ندارد. پس، اگر ضرری از ناحیه این حیوانات به کسی برسد، در صورتی زیان دیده می‌تواند از مالک، خسارت بخواهد که ثابت کند در حفظ حیوان تقصیر کرده است. ولی نگاهداری حیوانات خطرناکی، مانند پلنگ یا مارهای سمی، خود نوعی تقصیر است. بنابراین، هرگاه چنین حیوانی موجب إضرار اشخاص شود، زیان دیده نیازی به اثبات بی‌مبالاتی مالک یا مُتَصَرِّف در حفظ حیوان ندارد. همچنین، اثبات حفاظت متعارف از حیوان وحشی نیز از بار مسؤولیت مالک نمی‌کاهد. تقصیر او در نگاهداری حیوان وحشی است نه بی‌مبالاتی در حفظ آن، مگر در مکانی که حفظ حیوان مجاز باشد (مانند باغ وحش‌ها).

به هر حال، اگر عمل دیگری بین تقصیر مالک و ورود ضرر فاصله ایجاد کند، چنانکه عرف آن عمل را علت اصلی و مستقیم ضرر به شمار آورد، باید فاعل آن را مسؤول شناخت. برای مثال، اگر کسی گله متعلق به دامداری را رم دهد یا سگ دیگری را به حمله تَهییج کند و در اثر آن خسارتی به بار آید، مالک، مسؤول جبران خسارت نیست. همچنین است اگر سگ دیگری گله دامداری را رم دهد و باعث خسارت ثالثی شود.

ب - خسارت ناشی از برانگیختن حیوان

حیوان نیز مانند هر وسیله دیگری ممکن است ابزار إضرار قرار گیرد. درست است که حیوان نیز از خود اراده دارد و گاه نیز آن را برخلاف میل محافظ خود اِعمال می‌کند، ولی استفاده از غرایز حیوانی و طبیعت نیز در حکم به کار گرفتن ابزار مادی دیگر

است. برای مثال، هیچ تفاوتی نمی‌کند که شخص به وسیله تزییق یا خوراندن سم دیگری را صدمه بزند یا بارها کردن مار سمی در بستر او. همچنین تهییج سگی که توان آمادگی دریدن را دارد در حکم وارد کردن ضربه با چاقو است. ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد، ضامن جنایت‌هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند، مگر آن که عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.» طبیعت إتلاف از راه برانگیختن حیوان و نزدیکی آن به إتلاف به مباشرت سبب می‌شود که، هرگاه مالک حیوان در حفظ آن تقصیر کند و دیگری آن را به إتلاف برانگیزد، تحریک کننده سبب اقوا و نزدیک محسوب می‌شود و مالک بی‌مبالا از مسؤولیت معاف بماند.

با وجود این، در صورتی که دامداری گله گاوهای خود را بدون سرپرست گذارد و دامدار دیگری در حفظ سگ خود کوتاهی کند و در اثر حمله سگ گله گاوها ترسیده و سپس رم کنند و مزرعه‌ای را خراب کنند، به نظر می‌رسد که باید موضوع را تابع حکم اجتماع اسباب شمرد و صاحبان گله و سگ را مسؤول شمرد. زیرا، با این که تقصیر صاحب سگ از لحاظ زمانی به ورود ضرر نزدیک‌تر است، ولی به گونه‌ای نیست که بتواند رابطه تقصیر صاحب گله را با إضرار قطع کند و عرف هر دو را سبب می‌داند.

همچنین طبق ماده ۳۳۰ قانون مدنی پیش‌بینی شده است که اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و لیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست.

ج- پیش‌بینی خطر حیوان توسط مالک

پیش‌بینی خطر در ارزیابی فعل زیان‌بار و إحراز وصف تقصیر محافظ اهمیت فراوان دارد. ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی در این باره حکمی قابل ملاحظه دارد: «مُتَّصِرَف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است؛ ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست. تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود.» حکم این ماده با مفاد ماده ۳۳۳ قانون مدنی از این جهت که تقصیر مبنای مسؤولیت مالک است، همگام و یکسان است، تفصیل قانون مجازات برای بیان این حقیقت است که برای تشخیص تقصیر مالک یا محافظ باید قابلیت پیش‌بینی خطر را لحاظ کرد.

مسؤولیت مطلق یا محض:

الف- مسؤولیت نگاهداری حیوان

در قانون مجازات اسلامی مسؤولیت‌هایی دیده می‌شود که برای مالک حیوان فرض شده است، بدون این که مشروط به تقصیر او در حفظ حیوان باشد و از جمله آن‌ها مسؤولیت صاحب‌خانه در برابر تازه‌واردی است که به اذن او وارد می‌شود: در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که: «هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف او است، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن‌دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن‌دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد، مانند آن که واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن‌دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضامن منتفی است.» در این فرض صاحب‌خانه مسؤول ضرر پیش‌بینی نشده وضع خود نیز هست و هیچ ضرورتی ندارد که زیان دیده کوتاهی او را در حفظ حیوان ثابت کند.

چون به طور معمول صاحب حیوان می‌تواند آن را مهار کند و اگر خسارتی به دیگران رسد ناشی از کوتاهی او در حفاظت از حیوان است، قانون‌گذار بر مبنای غلبه و گسترش آن برای صاحب‌خانه فرض تقصیر کرده است. این فرض را پیش‌بینی حمله حیوان به وارد ناآشنا نیز تأیید می‌کند، هر چند که صاحب‌خانه این نکته را نداند. به بیان دیگر، خطر حمله حیوان به غریبه برای انسانی متعارف قابل پیش‌بینی است و نادانی صاحب‌خانه در این امر اثری ندارد. در نتیجه، هر جا حیوان به تازه‌واردی حمله کند، تقصیر مالک در احتراز از این خطر مُحتمَل فرض می‌شود.

این فرض را با اماره تقصیر نباید اشتباه کرد و چنین پنداشت که اثبات بی‌تقصیری مالک او را از مسؤولیت می‌رهاند. فرض تقصیر پایه حکم موضوعی در ماده ۵۲۳ ق.م.ا قرار گرفته و راه وصول به واقع نیست تا بتوان خلاف آن را ثابت کرد. به بیان دیگر، مبنا و حکمت صدور حکم قانون‌گذار هر چه باشد، آن چه بجا مانده مسؤولیت مطلق صاحب‌خانه در برابر ضرری است از حمله حیوان به دیگران می‌رسد.

با وجود این، چون هیچ‌کس را نمی‌توان مسؤول قوای قاهر طبیعت شمرد، اثبات چنین سببی می‌تواند مبنای حکم (فرض تقصیر) را از بین ببرد. همچنین است برانگیختن حیوان به وسیله شخص ثالث که ورود ضرر را به سبب اقوی و نزدیک منسوب می‌کند.

بر اساس تبصره ماده ۵۲۳ ق.م.ا و همچنین در صورت برانگیخته شدن حیوان توسط خود زیان‌دیده؛ طبق قاعده اقدام شخصی مسؤول نیست و ضمان منتفی است.

ب- توقف حیوان سواری

بر طبق ماده ۵۲۴ ق.م.ا: «هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل‌های غیرمجاز متوقف نماید، در مورد تمام خسارت‌هایی که آن حیوان وارد می‌کند و مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد، مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.»

توقف حیوان در محل غیرمجاز خود تقصیر است و طبیعی است که مقصر باید پیامدهای کار ناشایست خود را تحمل کند، زیرا بستن یا رها کردن حیوان در محلی که احتمال ایجاد خطر برای دیگران دارد، مصداقی از کوتاهی در مواظبت و حفظ حیوان است و باید ضمان آور باشد. برای مثال، اگر سوارکاری اسب خود را در بزرگراه رها کند یا آن را در بازار متوقف سازد، به مسؤولیت خود خطر آفریده است.

بخش هجدهم: مسؤولیت ضرر رساندن در املاک مجاور ناشی از تصرف در ملک خود

ماده ۱۳۲ قانون مدنی: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.»

حکم این ماده، که محل برخورد و تزامم دو قاعده تسلیط و لاضرر است، از دو دیدگاه مورد مطالعه واقع می‌شود:

۱. از جهت مرز اختیار مالک و قلمرو حق مالکیت، که جای شرح آن در باب مالکیت است و در این بحث کافی است یادآور شد که در حقوق ما اختیار مالک مطلق نیست و در هر مورد که باعث اضرار ناروا به حقوق دیگران (به ویژه همسایگان) یا منافع عمومی باشد، محدود می‌شود. به بیان دیگر، در تزامم اجرای دو قاعده تسلیط و لاضرر، حکومت با قاعده لاضرر است که جنبه اجتماعی دارد. وانگهی اجرای حق همیشه محدود به موردی است که هدف مالک از تصرف در مال خود انتفاع باشد نه اضرار، چنان که اصل ۴۰ قانون اساسی اعلام می‌کند:

«هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

۲. از لحاظ مسؤولیت مالک در جبران زیانی که از تصرف او به همسایگان می‌رسد؛ مالکی که در تصرف خود از مرز متعارف می‌گذرد یا در حدود متعارف ولی به قصد اضرار به همسایه اقدام می‌کند، نه تنها از طرف دادگاه منع می‌شود، مسؤول زیان‌های ناشی از آن اقدام نیز است. برای مثال، اگر مالکی بدون رعایت قواعد متعارف ساختمان

چاهی در ملک خود بکند که باعث سست کردن پایه‌های خانه مجاور شود، دادگاه هم به پر کردن چاه دستور می‌دهد و هم به هزینه تعمیر بنای همسایه. بحث ما درباره شرایط بخش دوم حکم است که در قلمرو مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و یکی از قدیمی‌ترین مسائل مرسوم در این باب است.

شرایط ایجاد مسئولیت:

از مفاد ماده ۱۳۲ ق.م چنین برمی‌آید که مالک از هر تصرف که به زیان همسایه باشد ممنوع است و تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که این شرط جمع شود:

۱. تصرف به قدر متعارف باشد: معیار اندازه عرفی تصرف، رفتار انسانی متعارف در شرایط مالک است و تجاوز از آن تقصیر. برای مثال، انسانی متعارف در ملک خود آتشی روشن نمی‌کند که ظن سرایت آن به خانه همسایه برود یا چاهی برخلاف عرف معماری نمی‌کند تا رطوبت آن به خانه دیگران صدمه بزند.

۲. برای رفع حاجت یا رفع ضرر از مالک باشد: یعنی، هدف مالک انتفاع باشد نه إضرار. سوءاستفاده از حق مالکیت نیز تقصیر و از اسباب ضمان است. پس، اگر مالکی از اندازه متعارف تجاوز نکند ولی به قصد إضرار به تصرفی که نیاز به آن ندارد دست زند، مسؤول است. بی‌مبالاتی در تصرف خطرناک (مانند آتش‌افروختن و خراب کردن دیوار و گندن چاه) نیز تقصیری نابخشودنی و ضمان آور است. همین اندازه که ظن ورود ضرر به همسایه در دید عرف وجود داشته باشد، ارتکاب عمل بی‌مبالاتی گاه اماره وجود قصد إضرار است.

تشخیص نیازهای مادی و معنوی مالک بر مبنای دآوری عرف تعیین می‌شود، منتها باید شرایط ویژه مالک نیز به حساب آید. برای مثال، اگر مالک در پشت دیوار همسایه باغچه‌ای ایجاد کند، تشخیص نیاز مالک به آن بدون توجه به شرایط روحی و اشتغال او، امکان ندارد. به همین جهت، باید پذیرفت که معیار دآوری هم نوعی است و هم شخصی؛ نوعی از این جهت که رفتار انسانی متعارف در نظر است، و شخصی از این لحاظ که شرایط خاص مالک نیز باید به حساب آید؛ یعنی رفتار انسانی متعارف در آن شرایط در نظر گرفته شود.

لحن ماده ۱۳۲ ق.م نیز به گونه‌ای است که هرگاه در متعارف بودن اندازه تصرف و هدف از انجام دادن آن تردید باشد، باید تصرف مضر را ممنوع داشت. برای مثال، اگر راه متعارف دیگری برای رفع حاجت و رفع ضرر مالک موجود باشد، انتخاب راهی زیان‌بار نشانه بی‌مبالاتی یا قصد إضرار است.

بخش نوزدهم: مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی

در حقوق ایران، شاید بتوان گفت حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین افراد است (اصل ۵۰ قانون اساسی) و به استناد ماده اول مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «...یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده...» قابل مطالبه است.

با وجود این، چون مبنای مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است لذا با مبانی پذیرفته شده در این زمینه و با اصول کلی حمایت از محیط زیست در سطح جهانی مغایر به نظر می‌رسد. علاوه بر این قواعد مسئولیت مدنی سنتی در ارزیابی خسارت‌های زیست محیطی ناتوان است. پس باید در این خصوص یا به فکر تمهید قانون خاص مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی بود یا با استقرا از قوانین خاص حمایت از محیط زیست (قانون آلودگی هوا و...) و با تکیه بر اصول احتیاط و پیشگیری، مسئولیت محض را به صورت ترکیبی از نظام مسئولیت مدنی و حقوق عمومی پذیرفت. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، فصل‌نامه حقوق)

قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه

بخش نخست - کلیات

ماده ۱ - اصطلاحات به کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف - خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و ازکارافتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون ب - خسارت مالی: زیان‌هایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

پ - حوادث: هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آنها از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه
ت - شخص ثالث: هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه

ث - وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین‌شهری و واگن متصل یا غیر متصل به آن و یدک و کفی (تریلر) متصل به آنها

ج - صندوق: صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

چ - بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح - راهنمایی و رانندگی: پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲ - کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.
تبصره ۱ - دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هرکدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

تبصره ۲ - مسؤولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه‌نامه موضوع این قانون مانع از مسؤولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

ماده ۳ - دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت‌های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه و یا ارش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می‌باشد. سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی وارد شده را تعیین و اعلام کند. آیین‌نامه اجرائی و حق بیمه مربوط به این بیمه‌نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۴ - در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کند. این حکم، نافه مسؤولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست.

ب - در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کند.

پ - در صورتی که خودرو، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص

حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارد شده محکوم می‌شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و با پیش‌بینی در بودجه‌های سالانه، صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد.

ماده ۵ - شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کند. سایر شرکت‌های بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می‌توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه‌نامه شخص ثالث کنند. بیمه مرکزی موظف است بر اساس آیین‌نامه اجرائی که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، برای شرکت‌های متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر کند. در آیین‌نامه اجرائی موضوع این ماده مواردی از قبیل حداقل توانگری مالی شرکت بیمه، سابقه مناسب پرداخت خسارت، داشتن نیروی انسانی و ظرفیت‌های لازم برای صدور بیمه‌نامه و پرداخت خسارت باید مدنظر قرار گیرد. شرکت‌هایی که مجوز فعالیت در این رشته بیمه‌ای را از بیمه مرکزی دریافت می‌کنند، موظفند طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، با کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کنند. ادامه فعالیت در رشته شخص ثالث برای شرکت‌هایی که در زمان تصویب این قانون در رشته بیمه شخص ثالث فعال هستند، منوط به اخذ مجوز از بیمه مرکزی ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون می‌باشد.

ماده ۶ - از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود و انتقال‌گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب می‌شود.

تبصره - کلیه تخفیفاتی که به‌واسطه «نداشتن حوادث منجر به خسارت» در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال‌دهنده است. انتقال‌دهنده می‌تواند تخفیفات مذکور را به‌وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند. آیین‌نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۷ - دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث ناشی از آن به‌موجب بیمه‌نامه‌ای که از طرف بیمه مرکزی معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند، مکلفند هنگام ورود به مرز ایران وسیله نقلیه خود را در قبال خسارت‌های بدنی و مالی که در اثر حوادث نقلیه مزبور یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون بیمه کنند. همچنین دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می‌شوند موظفند هنگام خروج با پرداخت حق بیمه مربوط، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث نقلیه مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی وارد شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون و نیز بیمه حوادث راننده موضوع ماده (۳) این قانون بیمه کنند. در غیر این صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی‌ربط جلوگیری می‌شود.

بخش دوم - حقوق و تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار

ماده ۸ - حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است و در هر حال بیمه‌گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی‌باشد. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۵/۲٪) تعهدات بدنی است. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارت‌های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه‌نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

تبصره ۱ - در صورتی که بیمه‌گذار در خصوص خسارت‌های مالی تقاضای پوشش بیمه‌ای بیش از سقف مندرج در این ماده را داشته باشد بیمه‌گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه‌گذار می‌باشد. حق بیمه در این مورد در چهارچوب ضوابط کلی که توسط بیمه مرکزی اعلام می‌شود، توسط بیمه‌گر تعیین می‌گردد.

تبصره ۲ - در صورت بروز حادثه، بیمه‌گر مکلف است کلیه خسارات وارد شده را مطابق این قانون پرداخت کند و مواد (۱۲) و (۱۳) قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ در این مورد اعمال نمی‌شود.

تبصره ۳ - خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گران‌ترین خودروی متعارف از طریق بیمه‌نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

تبصره ۴ - منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می‌شود، باشد.

تبصره ۵ - ارزیابان خسارات موضوع ماده (۳۹) و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکت‌های بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام برآورد خسارت، موظفند مطابق این ماده اعلام نظر کنند.

ماده ۹ - بیمه‌گر ملزم به جبران خسارت‌های وارد شده به اشخاص ثالث مطابق مقررات این قانون است.

تبصره - در صورتی که در یک حادثه، مسؤول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد.

ماده ۱۰ - بیمه‌گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند.

ماده ۱۱ - درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بلااثر است.

ماده ۱۲ - تعهد ریالی بیمه‌گر در قبال زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون است.

در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می‌گردد و مابه‌التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارات‌های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت و مطابق مقررات این قانون از مسبب حادثه باز یافت می‌شود.

میزان ظرفیت مجاز وسایل نقلیه با توجه به نوع و کاربری آنها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و راه و شهرسازی و بیمه مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دوسال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می‌شود.

تبصره - تعهد ریالی بیمه‌گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه‌نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون می‌باشد. در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه‌گر به نسبت خسارت وارد شده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می‌گردد و مابه‌التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارات‌های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می‌شود.

ماده ۱۳ - بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم‌الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه‌گر، در صورتی که خسارت بدنی که به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می‌تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت

صندوق در حساب‌های فی‌مابین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه منتسب به تأخیر بیمه‌گر نباشد.

تبصره - در صورتی که خسارت بدنی زیان‌دیده بیشتر از تعهد شرکت بیمه مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، شرکت بیمه مکلف است، بلافاصله مراتب مذکور و کلیه مستندات پرونده مربوط را از طریق سامانه الکترونیک موضوع ماده (۵۵) به صندوق و بیمه مرکزی اطلاع دهد.

ماده ۱۴ - در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد، بیمه‌گر مکلف است خسارت زیان‌دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به شرح زیر برای بازیافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

الف - در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه: معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت‌شده

ب - در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه‌نامه: معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت‌شده

پ - در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه‌ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه‌نامه: معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت‌های بدنی و مالی پرداخت‌شده

تبصره - مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه‌ساز به موجب ماده (۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۸ تعیین می‌شود.

ماده ۱۵ - در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف - اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ - در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت - در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

تبصره ۱ - در صورت وجود اختلاف میان بیمه‌گر و مسبب حادثه، اثبات موارد فوق در مراجع قضائی صالح صورت خواهد گرفت.

تبصره ۲ - در مواردی که طبق این قانون بیمه‌گر حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم‌مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گر در حکم اسناد لازم‌الاجراء است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می‌باشد.

تبصره ۳ - در صورتی که حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت‌شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش‌گیرنده یا آزمون‌دهنده قابل بازیافت نخواهد بود و حسب مورد آموزش‌دهنده یا آزمون‌گیرنده، راننده محسوب می‌شود.

ماده ۱۶ - چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه‌گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده می‌تواند برای بازیافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌شود به مسببان ذی‌ربط مراجعه کند.

دستگاه‌های ذی‌ربط مجازند مسؤولیت کارکنان خویش را در قبال مسؤولیت‌های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تحت اختیار، بیمه کنند.

تبصره - در صورتی که حسب نظریه افسران موضوع ماده (۱۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، نقص راه، وسیله نقلیه یا عامل انسانی مؤثر در بروز تصادف اعلام شود در صورت اعتراض ذی‌نفع، موضوع حسب مورد به کارشناس یا هیأت کارشناسان رسمی مستقل در امور مرتبط با موضوع از قبیل راه و مهندسی ترافیک، مکانیک و تصادفات با نظر دادگاه ارجاع می‌شود.

ماده ۱۷ - موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

الف - خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

ب - خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ - جریمه یا جزای نقدی

ت - اثبات قصد زیان‌دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضائی

تبصره - در صورتی که در موارد بندهای (الف) و (ب) اختلافی وجود داشته باشد، معترض می‌تواند به مرجع قضائی صالح رجوع کند.

ماده ۱۸ - آیین‌نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن توسط بیمه مرکزی تهیه می‌شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

در آیین‌نامه مذکور باید عوامل زیر مدنظر قرار گیرد:

الف - ویژگی‌های وسیله نقلیه از قبیل نوع کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن

ب - سوابق رانندگی و بیمه‌ای دارنده شامل نمرات منفی و تخلفات ثبت‌شده توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، خسارت‌های پرداختی توسط بیمه‌گر یا صندوق، بابت حوادث منتسب به وی

پ - رایج بودن استفاده از وسیله نقلیه برای اقشار متوسط و ضعیف شامل موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت در آیین‌نامه موضوع این ماده باید ملاحظات اجتماعی در تعیین حق بیمه وسایل نقلیه پرکاربرد اقشار متوسط و ضعیف جامعه مدنظر قرار گیرد.

تبصره ۱ - بیمه مرکزی موظف است با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ کند که حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، امکان صدور بیمه‌نامه شخص ثالث بر اساس ویژگی‌های «راننده» فراهم شود. تا آن زمان، سوابق رانندگی و بیمه‌ای شخصی که پلاک وسیله نقلیه به نام اوست و خسارت‌های پرداختی بابت حوادث منتسب به وی ملاک عمل است.

تبصره ۲ - در آیین‌نامه موضوع این ماده نحوه تخفیف یا افزایش در حق بیمه به‌صورت پلکانی و متناظر به تفکیک در مورد خسارات مالی و بدنی تعیین می‌شود.

تبصره ۳ - نرخ‌نامه حق بیمه موضوع این قانون در ابتدای هر سال با رعایت آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران به وسیله بیمه مرکزی محاسبه و پس از تأیید شورای عالی بیمه، ابلاغ می‌شود. در جلسات شورای عالی بیمه برای تعیین نرخ‌نامه موضوع این تبصره دبیر کل اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران و دو نفر صاحب‌نظر به انتخاب اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران با حق رأی شرکت می‌کنند. همچنین رئیس کل بیمه مرکزی در جلسات مذکور حق رأی دارد.

تبصره ۴ - شرکت‌های بیمه می‌توانند تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) کمتر از نرخ‌های مصوب شورای عالی بیمه را ملاک عمل خود قرار دهند. اعمال تخفیف بیشتر از دو و نیم درصد (۲/۵٪) توسط شرکت‌های بیمه، منوط به کسب مجوز از بیمه مرکزی است. بیمه مرکزی در اعطای این مجوز باید توانگری مالی شرکت و شرایط عمومی بازار و حفظ رقابت‌پذیری شرکت‌های بیمه را مدنظر

قرار دهد. همچنین شرکت‌های بیمه می‌توانند در صورت ارائه خدمات ویژه به مشتریان، با تأیید بیمه مرکزی تا دو و نیم درصد (۵/۲٪) بیش از قیمت‌های تعیین‌شده توسط بیمه مرکزی، از بیمه‌گذار دریافت کنند.

تبصره ۵- شرکت‌های بیمه موظفند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره‌های آموزشی رانندگی ایمن و کم‌خطر را سپری نموده و موفق به اخذ گواهینامه مربوط شده‌اند، اقدام کنند. آیین‌نامه مربوط به این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و نیروی انتظامی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۹- هرگونه قصور یا تقصیر بیمه‌گر یا نماینده وی در صدور بیمه‌نامه موضوع این قانون رافع مسؤولیت بیمه‌گر نیست.
ماده ۲۰- پوشش‌های بیمه موضوع این قانون محدود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران است مگر آنکه در بیمه‌نامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

بخش سوم - حقوق و تعهدات صندوق

ماده ۲۱- به‌منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به‌استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود.

تبصره ۱- میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت‌های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است.

تبصره ۲- تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون، بر عهده شورای عالی بیمه است.

تبصره ۳- صندوق مکلف است هر شش ماه یک‌بار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

ماده ۲۲- در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به‌وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارات بدنی که به‌موجب صدور بیمه‌نامه‌های موضوع این قانون به عهده بیمه‌گر است را پرداخته، پس از آن به قائم‌مقامی زیان دیدگان به بیمه‌گر مراجعه می‌کند.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است نسبت به صدور حکم انتقال اموال و دارایی‌های بیمه‌گر مذکور تا میزان مبالغ پرداختی و خسارات وارده به صندوق اقدام کند.

تبصره ۲- در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه، پرداخت خسارات مالی که برعهده شرکت بیمه مذکور است مشمول ماده (۴۴) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ خواهد بود.

ماده ۲۳- در صورتی که زیان دیده، جز در موارد بیمه اختیاری، تمام یا بخشی از خسارت بدنی واردشده را از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه‌های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق‌های ویژه جبران خسارت دریافت کند، نسبت به همان میزان حق مراجعه به صندوق را ندارد. سازمان‌ها و صندوق‌های ویژه مذکور حق مراجعه به صندوق و استرداد خسارت پرداخت‌شده به اشخاص ثالث را ندارند و مکلفند اطلاعات مربوط را در اختیار صندوق قرار دهند. در هر حال در صورتی که زیان دیده علاوه بر دریافت خسارت از سازمان‌ها و صندوق‌های ویژه مذکور از صندوق نیز خسارتی دریافت کند، صندوق حق استرداد دارد.

ماده ۲۴- منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

الف- هشت درصد (۸٪) از حق بیمه اجباری موضوع این قانون بر مبنای نرخ نامه مذکور در تبصره (۳) ماده (۱۸) این قانون

ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسیله نقلیه‌ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری کنند وصول می‌شود.

میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخفیف، تقسیط و بخشودگی آن به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب مجمع عمومی صندوق می‌رسد.

پ - مبالغ بازیافتی از مسببان حوادث، دارندگان وسایل نقلیه، بیمه گران و سایر اشخاصی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان مطابق مقررات این قانون حسب مورد دریافت می‌کند.

ت - درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده (۲۷) این قانون

ث - بیست درصد (۲۰٪) از جرمه‌های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور

ج - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی

چ - جرمه‌های موضوع بند (پ) ماده (۴)، ماده (۴۴) و بند (ت) ماده (۵۷) این قانون

ح - کمک‌های اعطائی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی

تبصره ۱ - مدیر صندوق و هیأت نظارت مکلفند هر سه ماه یک‌بار گزارش عملکرد بند (پ) را به اعضای مجمع عمومی صندوق اعلام کنند.

تبصره ۲ - کلیه درآمدهای منابع موضوع بندهای (ث) و (ج) به محض تحقق به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد.

تبصره ۳ - در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند.

تبصره ۴ - درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. همچنین صندوق از پرداخت هزینه‌های دادرسی و اوراق و حق‌الاجراء معاف می‌باشد.

تبصره ۵ - صندوق می‌تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دو درصد (۲٪) از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث به اخذ بیمه‌نامه و پیشگیری از زیان‌های ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط از قبیل سازمان صداوسیما، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد.

تبصره ۶ - در آرای غیابی برای بازیافت خسارات موضوع بند (پ) این ماده، صندوق می‌تواند بدون سپردن تأمین یا تضمین موضوع تبصره (۲) ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/ ۱ / ۲۱ نسبت به تقاضای اجرای احکام غیابی اقدام کند.

تبصره ۷ - دولت می‌تواند در بودجه‌های سنواتی بخشی از درآمدهای ناشی از فروش حامل‌های انرژی را به صندوق اختصاص دهد. در صورت تصویب به تناسب سهم صندوق از محل فروش بیمه‌نامه موضوع بند (الف) این ماده کاهش پیدا می‌کند.

ماده ۲۵ - صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان‌دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را بازیافت کند:

الف - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضاء یا بطلان بیمه‌نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می‌کند.

ب - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه‌گر و مدیران آن رجوع می‌کند.

پ - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی رجوع می‌کند.

ت - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می‌کند.

تبصره ۱ - در موارد زیر صندوق نمی‌تواند برای بازیافت به مسبب حادثه رجوع کند:

- ۱ - در موارد جبران کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده ۱۳ این قانون)
- ۲ - تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون
- ۳ - در مواردی که زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.
- ۴ - در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی پرداخت می‌کند برای بازپرداخت مابه‌التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان

تبصره ۲ - صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه‌نامه، سوابق بیمه‌ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازیافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه بازیافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و میزان بازیافت مطابق آیین‌نامه‌ای است که بنا به پیشنهاد هیأت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

ماده ۲۶ - اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت‌های خسارت صندوق در حکم اسناد لازم‌الاجراء است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه و وصول می‌باشد.

ماده ۲۷ - صندوق مجاز است موجودی نقدی مازاد خود را نزد بانک‌های دولتی سپرده‌گذاری و یا اوراق بهادار بدون خطر (ریسک) خریداری کند مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاری‌های مذکور به نحوی برنامه‌ریزی شود که همواره امکان انجام تعهدات صندوق وجود داشته باشد.

ماده ۲۸ - صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن براساس اساسنامه‌ای است که با رعایت موارد زیر و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و ظرف مهلت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد:

الف - ارکان صندوق عبارتند از: مجمع عمومی، هیأت نظارت، مدیر صندوق و حسابرس

ب - اعضای مجمع عمومی صندوق عبارت از وزرای امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس مجمع، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری و صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل کشور (بدون حق رأی) و رئیس کل بیمه مرکزی است. مجمع عمومی صندوق حداقل یک‌بار در سال تشکیل می‌شود. مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضا به دعوت رئیس مجمع تشکیل می‌شود.

یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به پیشنهاد کمیسیون مذکور و تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات مجمع شرکت می‌کند. مدیر صندوق بدون حق رأی دبیر مجمع عمومی است.

پ - اعضای هیأت نظارت صندوق عبارت از نمایندگان وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری، دادستان کل کشور (بدون حق رأی)، بیمه مرکزی و اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران است. اعضای هیأت نظارت غیر از مدیر صندوق به صورت غیرموظف خواهند بود؛

تبصره - نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی در هیأت نظارت، مدیر صندوق است که دبیر هیأت نظارت نیز خواهد بود. مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند بدون حق رأی در جلسات هیأت نظارت شرکت می‌کند.

ت - مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم رئیس مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می‌شود. انتخاب مجدد مدیر صندوق برای یک دوره بلامانع است. مجمع عمومی می‌تواند نسبت به عزل مدیر صندوق قبل از پایان مدت مذکور اتخاذ تصمیم کند.

ث - مرکز اصلی صندوق، تهران است. در صورت لزوم با تصویب مجمع عمومی می‌تواند در مراکز استان‌ها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء کند. اقامه دعوی علیه صندوق در محل استقرار شعب صندوق نیز ممکن است. وظایف و اختیارات مجمع عمومی، هیأت نظارت و مدیر صندوق و نیز نحوه انتخاب و وظایف و اختیارات حسابرس به موجب اساسنامه مصوب هیأت وزیران تعیین می‌شود.

ماده ۲۹ - کلیه اختلافات بین صندوق و شرکت‌های بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیأتی مرکب از دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران هرکدام یک نفر حل و فصل می‌شود. ملاک تصمیم‌گیری، رأی اکثریت اعضای هیأت است و رأی صادرشده لازم الاجراء می‌باشد. هریک از طرفین می‌تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی در مرجع قضائی ذی صلاح اقامه دعوی کند.

ماده ۳۰ - اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه کنند. همچنین مسبب حادثه می‌تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان‌دیده حسب مورد به بیمه‌گر یا صندوق مراجعه کند.

آیین‌نامه اجرائی این ماده توسط بیمه مرکزی تهیه می‌شود و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

بخش چهارم - پرداخت خسارت

ماده ۳۱ - بیمه‌گر و صندوق حسب مورد مکلفند حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت کنند.

ماده ۳۲ - در حوادث منجر به خسارت بدنی، زیان‌دیده، اولیای دم یا وراث قانونی موظفند پس از قطعی شدن مبلغ خسارت برای تکمیل مدارک به منظور دریافت خسارت، به بیمه‌گر مراجعه کنند. بیمه‌گر مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت، مبلغ خسارت را به زیان‌دیده پرداخت و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت مذکور نزد صندوق تودیع و قبض واریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل دهد. در این صورت تعهد بیمه‌گر و مسبب حادثه، ایفاء شده تلقی می‌شود. صندوق مکلف است بلافاصله پس از درخواست زیان‌دیده مبلغ مذکور را عیناً به وی پرداخت نماید.

تبصره ۱ - در مواردی که صندوق مطابق مقررات این قانون رأساً مکلف به پرداخت خسارت بدنی است، پس از قطعی شدن مبلغ خسارت چنانچه زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی، تا بیست روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی به وی برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه نکند، مبلغ مذکور به عنوان امانت نزد صندوق باقی مانده و در زمان مراجعه زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی عیناً پرداخت می‌شود.

تبصره ۲ - در مواردی که رأی صادرشده از دادگاه بدوی، صرفاً از جنبه عمومی مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشد، زیان‌دیده یا وراث قانونی و بیمه‌گر یا صندوق باید طبق مفاد این ماده اقدام کنند.

تبصره ۳ - ملاک قطعی شدن میزان خسارت موضوع این ماده، قطعیت حکم دادگاه است.

ماده ۳۳ - چنانچه بیمه‌گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه‌گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه‌ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی محکوم می‌شود.

ماده ۳۴- در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت، در صورت مطالبه زیان دیده، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۶/ ۷/ ۱۳۸۴ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی، بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق، حسب مورد مکلفند بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت کرده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه با رعایت مواد (۳۱) و (۳۲) این قانون بپردازند.

ماده ۳۵- هزینه های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد برعهده بیمه گر مربوط یا صندوق است.

ماده ۳۶- در حوادث منجر به فوت، در صورت مطالبه اولیای دم یا قائم مقام متوفی یا درخواست مسبب حادثه بدون نیاز به رأی مراجع قضائی، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی، کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق حسب مورد می توانند خسارت بدنی را به ورثه قانونی متوفی با رعایت ماده (۳۱) این قانون بپردازند.

در صورت عدم مطالبه نیز، بیمه گر می تواند بدون نیاز به رأی مرجع قضائی خسارت بدنی را مطابق ماده (۳۲) این قانون به صندوق تودیع کند.

تبصره - چنانچه علی رغم وجود گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن (موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی) و نظر نهائی پزشکی قانونی، شرکت بیمه پرداخت خسارات بدنی را موکول به رأی دادگاه کند، پس از صدور رأی مکلف به پرداخت خسارات بدنی به قیمت یوم الاداء بوده و نمی تواند بابت مابه التفاوت خسارت پرداختی و میزان تعهد وی (موضوع ماده (۱۳) این قانون) به صندوق رجوع کند.

ماده ۳۷- بیمه گر، صندوق یا مسبب حادثه به میزان درصد دیه ای که به زیان دیده پرداخت شده یا مطابق ماده (۳۲) این قانون و تبصره آن به صندوق تودیع شده است، بری الذمه هستند.

ماده ۳۸- هرگاه پس از اینکه بیمه گر یا صندوق به موجب این قانون خسارتی را پرداخت کند و به موجب حکم قطعی، برای پرداخت تمام یا بخشی از خسارت مسؤول شناخته نشوند، بیمه گر یا صندوق می تواند به همان میزان به محکوم علیه حکم قطعی، رجوع کند.

ماده ۳۹- در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان دیده، وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد تعمیر نموده و هزینه های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت کند.

تبصره - در صورتی که اختلاف از طریق مذکور حل و فصل نشود، موضوع به یک ارزیاب خسارت (دارای مجوز ارزیابی خسارت از بیمه مرکزی) به انتخاب و هزینه زیان دیده ارجاع می شود. هریک از طرفین ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می توانند در مرجع صالح، اقامه دعوی کنند. در صورت عدم طرح دعوی توسط طرفین در مهلت مقرر نظر ارزیاب خسارت، قطعی و لازم الاجراء است. هزینه ارزیابی خسارت براساس تعرفه ای است که در ابتدای هر سال توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی بیمه می رسد. بیمه مرکزی موظف است در صدور مجوز ارزیابی خسارت به گونه ای عمل کند که در تمام شهرستان ها متناسب با نیاز آن شهرستان، ارزیاب خسارت وجود داشته باشد.

ماده ۴۰ - شرکت‌های بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مسبب و زیان دیده در زمان حادثه دارای بیمه‌نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۸) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت کنند.

بخش پنجم - تکالیف سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط

ماده ۴۱ - به‌منظور ساماندهی امور مربوط به حوادث رانندگی، دولت مکلف است «سامانه جامع حوادث رانندگی» را مطابق مقررات این قانون با مشارکت همه دستگاه‌های ذی‌ربط ایجاد و نسبت به روزآمد کردن و تحلیل مستمر داده‌های آن اقدام کند. نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مراکز فوریت‌های پزشکی (اورژانس) و بیمارستان‌ها، سازمان پزشکی قانونی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موظفند اطلاعات مربوط به سوانح رانندگی را فوراً در سامانه مذکور ثبت کنند.

قوه قضائیه نیز مکلف است اطلاعات مربوط به آرای قضائی راجع به حوادث رانندگی را در سامانه مذکور قرار دهد. دولت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، سامانه مزبور را راه‌اندازی و دسترسی برخط (آنلاین) به آن را برای کلیه واحدهای نیروی انتظامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شرکت‌های بیمه، صندوق و واحدهای قضائی فراهم کند.

تبصره - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است هم‌زمان با تعویض پلاک وسیله نقلیه، مشخصات مالک جدید را در «سامانه جامع حوادث رانندگی» درج کند. همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز مکلف است اسناد تنظیم‌شده در خصوص وسایل نقلیه مانند نقل و انتقال، وکالت و رهن را در سامانه مذکور درج کند.

ماده ۴۲ - حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه‌نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلفند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه ارائه کنند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند از طرق مقتضی مانند دوربین‌های نظارت ترافیکی ضمن شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه نسبت به اعمال جریمه‌های مربوط اقدام کنند. همچنین مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند در صورت احراز فقدان بیمه‌نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه‌نامه مربوط در محل مطمئنی متوقف کنند. آیین‌نامه مربوط به نحوه توقیف وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و دادگستری و بیمه مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره - نیروی انتظامی مکلف است هر شش ماه یک بار گزارش اجرای این ماده را به دادستانی کل کشور، بیمه مرکزی و کمیسیون‌های قضائی و حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

ماده ۴۳ - بیمه مرکزی و شرکت‌های بیمه موظفند ترتیبی اتخاذ کنند که با استفاده از ابزار مناسب، امکان شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون برای پلیس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه فراهم شود.

ماده ۴۴ - دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر، از سوی شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون شهری و برون شهری ممنوع است. نظارت بر حسن اجرای این ماده برعهده وزارتخانه‌های کشور و راه و شهرسازی می‌باشد تا حسب مورد، شرکت‌ها و مؤسسات متخلف را به مراجع مذکور در تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی معرفی نمایند.

در صورت احراز تخلف شرکت‌ها و مؤسسات مذکور توسط مراجع یادشده، پروانه فعالیت آنان از یک ماه تا یک سال معلق و در صورت تکرار تخلف یادشده برای بار چهارم به‌صورت دائم لغو می‌شود.

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است امکان احراز اصالت بیمه‌نامه از طریق سامانه‌های الکترونیکی را به‌صورت برخط برای وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور فراهم کند.

تبصره - اعتراض به هرنوع تصمیمات مراجع دولتی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در دیوان عدالت اداری رسیدگی می‌شود.

ماده ۴۵ - ارائه هرگونه خدمات به وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه و رفع توقیف از آنها، توسط راهنمایی و رانندگی، دفاتر اسناد رسمی و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با امر حمل‌ونقل از قبیل تعویض پلاک وسیله نقلیه، تنظیم اسناد رسمی معاملات وسایل مذکور ممنوع می‌باشد. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می‌شود.

تبصره - انتقال وسایل نقلیه اسقاطی به مراجع و نهادهای ذی‌ربط و نیز انتقال وسایل نقلیه مشمول خسارت بیمه بدنه به بیمه‌گر مربوط، از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۴۶ - عقد هرگونه قرارداد حمل و نقل بار یا مسافر از سوی دستگاه‌های اجرائی و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مراکز آموزشی و کلیه اشخاص حقوقی در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه مجاز می‌باشد با دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر، ممنوع است. عدم اجرای تکلیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می‌شود.

ماده ۴۷ - نیروی انتظامی مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه واحدهای ثابت و سیار راهنمایی و رانندگی و پلیس راه را به ابزار لازم برای استعمال برخط وضعیت بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه، تجهیز و سامانه مورد نیاز را طراحی یا تکمیل کند.

ماده ۴۸ - ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه خودداری کند.

تبصره - بیمه مرکزی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه مذکور را به صورت برخط در اختیار ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت قرار دهند.

ماده ۴۹ - مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه‌نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند.

تبصره - عدم اجرای این ماده مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ برای متخلف است. بیمه مرکزی مکلف است با رعایت مفاد ماده (۵۶) این قانون اطلاعات مربوط به بیمه‌نامه و بیمه‌گذاران را به نحوی در اختیار قوه قضائیه قرار دهد که امکان دسترسی مراجع قضائی برای بررسی اصالت بیمه‌نامه وجود داشته باشد.

ماده ۵۰ - کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی از قبیل دادسرا و دادگاه‌های رسیدگی کننده به دعاوی ناشی از حوادث موضوع این قانون مکلفند صندوق یا شرکت بیمه مربوط را در مواردی که صندوق یا شرکت بیمه، طرف دعوی نباشند از طرح دعوی علیه مسبب حادثه مطلع نموده، زمان تشکیل جلسات دادگاه را رسماً به آنان اطلاع دهند. همچنین دادگاه مکلف است پس از صدور رأی، نسخه‌ای از رأی صادرشده را به آنها ابلاغ کند. در این موارد، بیمه‌گر یا صندوق می‌تواند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوی واردشده یا پس از صدور رأی قطعی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث کنند.

تبصره ۱ - اعتراض ثالث شرکت بیمه یا صندوق مانع از اجرای حکم نیست.

تبصره ۲ - عدم اعلام مراتب طرح دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی موضوع این قانون حسب مورد به بیمه‌گر مربوط یا صندوق یا عدم ابلاغ رأی به آنها مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ماده ۵۱ - طرح دعاوی واهی موضوع تبصره ماده (۱۰۹) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در دعاوی راجع به حوادث رانندگی توسط صندوق یا بیمه‌گر - اعم از اینکه به صورت ورود ثالث یا اعتراض ثالث یا تجدیدنظرخواهی باشد - در صورتی که منجر به تأخیر در پرداخت خسارت شود، مشمول ماده (۳۳) این قانون می‌شود.

ماده ۵۲- قوه قضائیه مکلف است تا پایان پانزدهم اسفند هر سال میزان ریالی دیه موضوع ماده (۵۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تعیین و برای اجراء از ابتدای سال بعد اعلام کند.

ماده ۵۳- ادارات راهنمایی و رانندگی و پلیس راه حسب مورد مکلفند علاوه بر ثبت جزئیات حادثه در «سامانه جامع حوادث رانندگی»، نسخه‌ای از آن را به زیان‌دیده و مسبب حادثه تسلیم نموده، رسید دریافت نمایند.

عدم اجرای تکلیف مذکور مستوجب مجازات مقرر برای لغو دستور موضوع ماده (۳۸) قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ است.

ماده ۵۴- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با موضوعات مورد نیاز از قبیل مشخصات وسایل نقلیه و دارندگان آن‌ها و گواهینامه‌های صادرشده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سامانه‌های الکترونیکی به صورت برخط برای مراجع قضائی، صندوق و بیمه مرکزی فراهم شود. اخذ گواهینامه نیازمند کارت پایان خدمت و معافیت سربازی نیست.

ماده ۵۵- شرکت‌های بیمه مجاز به فعالیت در رشته بیمه موضوع این قانون مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی امکان دسترسی به کلیه اطلاعات مورد نیاز بیمه مرکزی در رابطه با بیمه‌نامه‌های صادرشده و خسارت‌های مربوط به آنها را به صورت برخط برای بیمه مرکزی فراهم کنند.

ماده ۵۶- بیمه مرکزی مکلف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به اطلاعات مذکور در مواد (۵۴) و (۵۵) این قانون برای کلیه مراجع قضائی، شرکت‌های بیمه ذی‌ربط، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و صندوق فراهم شود.

ماده ۵۷- بیمه مرکزی بر حسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکت‌های بیمه در اجرای قانون، اقدامات زیر را به عمل می‌آورد. اعمال موارد زیر متناسب با نوع قصور یا تخلف و تعدد و تکرار آن به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد:

الف - توبیخ کتبی مدیران شرکت بیمه

ب - سلب صلاحیت حرفه‌ای مسؤول فنی یا مدیر یا معاون فنی یا مدیرعامل یا هیأت مدیره شرکت بیمه، برای حداکثر پنج سال با تأیید شورای عالی بیمه

پ - سلب صلاحیت افراد موضوع بند (ب) به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

ت - محکوم نمودن شرکت بیمه به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ بیست برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده (۸) این قانون در زمان پرداخت

ث - تعلیق فعالیت شرکت بیمه در یک یا چند رشته بیمه برای حداکثر یک سال با تأیید شورای عالی بیمه

ج - لغو پروانه فعالیت در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

تبصره ۱ - در مورد بندهای (ت)، (ث) و (ج) این ماده، بیمه مرکزی نظر مشورتی و تخصصی اتحادیه بیمه‌گران ایران را قبل از اتخاذ تصمیم، اخذ می‌کند. چنانچه اتحادیه ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت نامه بیمه مرکزی، کتباً نظر خود را اعلام نکند بیمه مرکزی رأساً اقدام می‌کند.

تبصره ۲ - در صورت سلب صلاحیت اکثریت هیأت مدیره شرکت بیمه حسب اعلام بیمه مرکزی، بیمه مرکزی با تأیید شورای عالی بیمه می‌تواند برای اداره امور شرکت فرد واجد شرایطی را به عنوان سرپرست شرکت بیمه تا زمان تعیین و تأیید اعضای جدید هیأت مدیره منصوب کند. صاحبان سهام شرکت بیمه (مجمع) موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه اعضای هیأت مدیره جدید خود را معرفی کنند تا پس از تأیید توسط بیمه مرکزی جایگزین اعضای قبلی سلب صلاحیت شده شوند و براساس قانون تجارت شرکت را اداره کنند. سرپرست جدید منصوب تا زمان جایگزینی اعضای هیأت مدیره جدید دارای اختیارات هیأت

مدیر شرکت است و مسؤولیت کلیه اقدامات او بر عهده بیمه مرکزی است. حقوق و مزایای سرپرست منصوب تا تعیین مدیر عامل که حداکثر سه ماه می باشد توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و پس از تصویب مجمع شرکت به سرپرست منصوب پرداخت می شود. تبصره ۳ - جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل واریز و با پیش بینی در بودجه های سنواتی به صندوق مذکور تخصیص داده می شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی است.

تبصره ۴ - نحوه وصول، تخفیف و یا بخشودگی جریمه موضوع بند (ت) این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

تبصره ۵ - رسیدگی به اعتراض شرکت های بیمه در خصوص تصمیم بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه مبنی بر اعمال مجازات های مندرج در این ماده (به جز بند «الف») بر عهده کمیسیونی متشکل از یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس کمیسیون)، نماینده بیمه مرکزی و یک نفر نماینده اتحادیه (سندیکای) بیمه گران می باشد. تصمیم گیری کمیسیون مذکور با اکثریت آرای اعضاء، لازم الاجراء و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد قابل اعتراض در مرجع قضائی ذی صلاح است. دبیرخانه این کمیسیون در بیمه مرکزی مستقر می باشد.

ماده ۵۸ - بیمه مرکزی مکلف است مطابق مقررات مربوط بر اجرای تعهدات شرکت های بیمه و نحوه محاسبه ذخایر آنها در رشته بیمه شخص ثالث نظارت نموده و از کفایت ذخایر مذکور جهت ایفاء تعهدات آتی شرکت های بیمه اطمینان حاصل کند. شرکت های بیمه مکلفند ذخایر تأیید شده از سوی بیمه مرکزی را در دفاتر و صورت های مالی خود، مطابق دستورالعمل بیمه مرکزی ثبت کنند.

بخش ششم - مقررات کیفری

ماده ۵۹ - عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق از سوی بیمه گر یا نمایندگی آنان، مصرف درآمدهای صندوق در غیر از موارد مصرح قانونی و همچنین عدم اجرای تکالیف مقرر در مواد (۴۵) و (۴۶) و (۴۸) این قانون علاوه بر تخلف اداری یا انتظامی در حکم دخل و تصرف در وجوه عمومی است.

ماده ۶۰ - فروش هر نوع بیمه نامه یا مبادرت به عملیات بیمه گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان دیده یا صندوق به نرخ روز جبران می باشد.

ماده ۶۱ - هرکس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می باشد.

ماده ۶۲ - هرگاه شخصی برخلاف واقع خود را به عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به مجازات حبس درجه هفت محکوم می شود؛ راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد به مجازات مذکور محکوم می شود.

ماده ۶۳ - در صورتی که مسؤولیت مسبب حادثه مشمول تعهدات بیمه گر باشد، جز در موارد مصرح در ماده (۱۵) این قانون، مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت های مالی در خصوص وی قابل اجراء نیست.

بخش هفتم - مقررات نهائی

ماده ۶۴ - کلیه آیین نامه های اجرائی این قانون جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ آن توسط بیمه مرکزی و شورای عالی بیمه تهیه می شود و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران

می‌رسد. مادامی که آیین‌نامه‌های مذکور، تهیه و تصویب نشده است، آیین‌نامه‌های اجرائی موجود، در حدودی که مغایر این قانون نباشد معتبر است.

ماده ۶۵ - بیمه‌نامه‌های صادره پیش از لازم‌الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره‌های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه‌نامه‌هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۶۶ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، «قانون اصلاح قانون بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷» نسخ می‌شود. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود.

تبلیغ خودم! ضمناً باید بگم: غالب درس‌های حقوق رو به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگر فقط یکی از اوونها رو از سایت www.mollakarimi.ir بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید! در تهیه این جزوه، از جلد اول کتاب آموزش جامع حقوق مدنی دکتر محمد مهدی توکلی و کتاب الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت‌های خاص و مختلط) دکتر کاتوزیان استفاده شده است.

جزوات آموزشی متنوعی را در کانال تلگرام و وبسایت زیر در اختیاران قرار داده‌ایم و دائماً آنها را با توجه به قوانین جدید، به روز می‌کنیم.



[omid_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi) اینستاگرام نویسنده:

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۰

امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس‌پرِت متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»



داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «نوستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشد. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!؛ یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیمم راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ماشین بخری، اول برو به جاسوییچی برای ماشینی که توو روایته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول به کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگاهیان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

(پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: [@OmidMollakarimi](https://t.me/OmidMollakarimi) **E-mail:** mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: [@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar) **web:** mollakarimi.ir

به شماره همراه **۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵** درخواست‌تان را واتساپ کنید و **جزوات تضمین‌کننده قبولی** در آزمون‌های وکالت،

قضاوت، کارشناسی ارشد و دکتری را به **طور رایگان** از من دریافت کنید.